

بررسی پتانسیل و بسترهای مناسب زیارتی بر اساس فهم نظام معنایی مشارکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین

دکتر کریم رضادوست^۱ و دکتر مرضیه شهریاری^۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۹

چکیده:

پیاده‌روی اربعین پدیده اجتماعی چندبعدی است که در برساخت‌های اجتماعی ایرانی دارای ابعاد چون سیاست، هویت، تعامل و یا تقابل هویت‌ها، محیط زیست و آسیب‌های اجتماعی است. لذا این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است که با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد جهت فهم نظام معنایی زائرانی که در پیاده‌روی شرکت داشته‌اند انجام شده است. بدین منظور با روش نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته داده‌ها جمع‌آوری شد و تا رسیدن به اشباع نظری ۲۱ نفر از زائران در میدان تحقیقی شامل منطقه مرزی چنابیه مورد بررسی قرار گرفتند. برای دستیابی به عوامل، تحلیل داده‌ها با استفاده از رویه‌های نظام‌مند کوربین و کوربین انجام شد که شامل کدگذاری مفاهیم و شکل دادن به نظریه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در کدگذاری باز، به شناسایی عوامل اصلی، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها منجر شد. تدقیق در یافته‌های مصاحبه حاکی از آن است که مقوله مرکزی پژوهش «پیاده‌روی اربعین نمود زیست‌جهان رقیب مدرنیته و ساخت دوباره خود» می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش مشارکت‌کنندگان، پیاده‌روی اربعین را به مثابه یک فرصت برای خودسازی درک می‌کنند که قابل توضیح با نظام تناسب اهداف و وسایل در چارچوب متداول عقلانیت ابزاری نیست. در جریان این پیاده‌روی با ادعیه و ذکر سعی بر پالایش خود دارند و معتقدند ملت ایران و عراق می‌توانند از این فرصت برای خودسازی معنوی استفاده کنند.

مفاهیم کلیدی: پیاده‌روی اربعین، روش نظریه داده بنیاد، زیست‌جمعی، سانسور رسانه‌ای، زیست‌جهان رقیب مدرنیته

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

k.rezadost@scu.ac.ir

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران m.shahryari@scu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

اجتماع گسترده انسان‌هایی از سراسر جهان با ملیت‌ها و نژادهای مختلف و از اقلشار، پایگاه‌ها و منزلت‌های اجتماعی گوناگون که در واقع می‌توان آن را به مثابه نمونه‌ای از جامعه بشری دانست، در کنار نمایش جلوه‌های مختلف فضائل اخلاقی همچون از خود گذشتگی و ایثار، صبر، یاری به هم نوع، محبت و عطوفت و صدها خصلت والای انسانی نشان از شکل‌گیری یک فراجنبش اجتماعی در سطح جهانی است که بشریت را به آرمان شهری عینی فرا می‌خواند. این حرکت عظیم انسانی نه جنبشی است بر مبنای عقلانیت ابزاری که انسان‌ها در آن بر اساس محاسبه سود و زیان مادی به کنشگری بپردازند و نه حرکتی است توده‌وار و بی‌هدف و مبتنی بر احساس صرف و نه حرکتی ناشی از تضادهای طبقاتی. بلکه خیزشی است جهانی برای پاسخ به ندای فطری خداجویی و حق، به همین جهت راهپیمایی اربعین پُلی است میان درونگی و بیرونگی انسان مدرن و به واقع نسخه شفابخش و التیام‌دهنده بیماری‌های انسان معاصر است. چرا که ابعاد سازنده و معنوی تأثیر آن در خودسازی، همدلی و همبستگی میلیون‌ها شیعه در مناسکی سیاسی و مذهبی که تحکیم‌کننده هویت آنان در تندبادهای معنویت گریز و به دور از هویت انقلابی است؛ حضور زائران حسینی از کشورهای مختلف جهان و حتی مذاهب متفاوت در مراسم اربعین، تا حد زیادی از مجادلات بی‌پایه‌ای چون عرب - عجم، شیعه - سنی و ... می‌کاهد. به معنای دیگر تنوع ملی، قومی و مذهبی در مراسم اربعین کمک می‌کند تا مفهوم امت به جای ملت نشسته و از هزینه‌های تفرقه در جهان اسلام کاسته شود. شکل‌گیری گفتمان امت اسلامی انقلابی در برابر اسلام آمریکایی، پیوند و همبستگی تشیع ایرانی و عراقی و نیز حماسه قدرت و نمایشی از ظهور جغرافیای انسانی شیعه بخشی و امیدورای به تحقق تمدن نوین اسلامی با الهام از فرهنگ عاشورایی، از نتایج مهم در تحلیل جامعه‌شناختی راهپیمایی اربعین است. در بسیاری از تحقیقات مشروعیت‌بخشی به حکومت اسلامی در جهت کسب پرستیژ بین‌المللی، بستری برای قدرت‌نمایی بین‌المللی و مبارزه با تروریسم و تقویت بسترهای صلح‌آمیز دینی - سیاسی برای شیعیان بوده است. همچنین کسب هویت اجتماعی و دینی و همچنین هزینه‌های به نسبت پایین این سفر هر دو از عوامل بسیار مهم جذب مشارکت‌کنندگان می‌باشد، آنچه کشور عراق در حال حاضر در محقق ساختن آن موفق بوده است. و از نظر بسیاری از محققان مشارکت‌کنندگان ایرانی در پیاده‌روی اربعین، دسته‌بندی چهارگانه گردشگری مذهبی (تورهای زیارتی، سفرهای تبلیغی، رویدادهای دینی و سفرهایی با هدف کسب تجربه گروهی) مورد نظر نیمینن (۲۰۱۲) را شامل

می‌شود و این از پتانسیل‌های بالای این رویداد حکایت دارد. از این‌رو انجام دادن پژوهش درباره مسائل جامعه‌شناختی آن و همچنین ابعاد مختلف و تأثیرگذار این حماسه، به ویژه بُعد مردمی آن، از دو بُعد موضوعی و تحلیلی از منظر زائران پیاده‌روی اربعین می‌تواند ارائه تبیین کامل‌تری را میسر سازد.

پیاده‌روی اربعین این حرکت عظیم انسانی نه جنبشی است بر مبنای عقلانیت ابزاری، که انسان‌ها در آن، بر اساس محاسبه سود و زیان مادی به کنشگری بپردازند، و نه حرکتی است توده‌وار و بی‌هدف و مبتنی بر احساس صرف، و نه حرکتی ناشی از تضادهای طبقاتی، بلکه خیزشی است جهانی برای پاسخ به ندای فطری، خداجویی و حق‌طلبی، بر پایه بلندترین حد شور و عواطف و در اوج قله عقلانیت انسانی است. در اربعین حسینی از طرفی با کنشگران مواجه هستیم که رفتار و عمل آنها مهم است؛ و از طرفی دیگر با یک ساختاری دارای مقطع زمانی خاص، مکان مشخص، حال و هوای ویژه، ارزش‌ها، نمادها، و باورهای خاص که همگی بیرونی و عینی هستند. توقع‌ها از این کنش در ساختار دو گونه اتفاق است: اول، انسجام و همبستگی به‌عنوان یکی از مصادیق فرصت‌ها، دوم، توجه به چالش‌ها و تضادها و کشمکش‌ها. در مسیر پیش رو برای انجام دادن این تحقیق، از یک طرف تلفیق کنشگرایی، عامل‌گرایی و ساختارگرایی را داریم، و از طرفی دیگر به لحاظ این فرایند تضادگرایی هم دیده می‌شود. این تحقیق دنبال این هست که، پیاده‌روی اربعین، چه فرصت‌هایی را از نظر نماد، اعتقادات، بعد مناسکی و بعد کنشی و احساسی به دنبال دارد، و همچنین در این مسیر چه چالش‌هایی پیش روی هست. در ادامه زمینه‌سازی برای ایجاد سیاست‌های لازم در تقویت فرصت‌های ایجاد شده توسط بُعد مردمی پیاده‌روی اربعین و کم کردن چالش‌ها و تهدیدهای پیش روی این ساختار را بحث می‌کند. از آنجا که جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی و نمادین و نگرش‌های محلی و تلقی شرکت‌کنندگان از حضور در این رویداد از مؤلفه‌های مهمی هستند که در مطالعات این حوزه تقریباً نادیده گرفته شده‌اند. در همین راستا، با هدف فهم تجربه زیسته زائرین در پیاده‌روی اربعین، می‌توان ابعاد گسترده و معنا و ماهیت این رویداد بزرگ را از زبان شرکت‌کنندگان به‌عنوان اصلی‌ترین مراجع این پدیده توصیف و تفسیر نمود. زمینه‌ها، عوامل و انگیزه‌های محرک زائران است که مشخص می‌کند سفر آنها دارای چه ماهیت و معنای است.

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده در حوزه اربعین را می‌توان در چند دسته تقسیم‌بندی کرد. دسته اول که حول محور روایت‌ها و تفسیرهای مرتبط با واقعه کربلا و عاشورا و اربعین هستند و تأکید آنها بیشتر بر جنبه‌های روایی دینی (شیرازی، ۱۳۹۳؛ ابادری، ۱۳۹۳؛ گلی زواره، ۱۳۹۳) و سیاسی است. از جمله این تحقیقات که امروزه بحث سیاسی در آنها بسیار پررنگ‌تر است می‌توان به مطالعه محمدی و همکاران، که به تأسی از راهپیمایی اربعین بازتعریف ژئوپلیتیک شیعه پرداخته است و ابعاد سیاسی این پدیده را تشریح نموده است، اشاره کرد (محمدی، سلیم‌نژاد و احمدی، ۱۳۹۶).

دسته دوم به موضوعات اجتماعی و فرهنگی و درس‌هایی که باید از عاشورا و اربعین آموخت پرداخته‌اند (حسینی جلالی، ۱۳۹۳) که البته مطالعات اجتماعی‌ای از این دست می‌تواند بیشتر محل توجه قرار گیرد. دسته سوم از مطالعات به حوزه گردشگری مذهبی برمی‌گردد که جامعه ایرانی بنا بر ماهیت و وجود ظرفیت‌های فرهنگی مذهبی از این مزیت برخوردار است (خوشخو و بد، ۱۳۹۵؛ مافی و سقایی، ۱۳۸۸). اما آنچه که امروزه می‌توان از آن به‌عنوان یک ابرروداد در حوزه گردشگری یاد کرد، رویداد اربعین است که چند سالی است بسیار مورد توجه جهانیان قرار گرفته و موجب بروز پیامدهای آشکار در عرصه سیاسی و اجتماعی شده است.

انگوتی (۱۳۹۷)، در پایان‌نامه خود با عنوان "بررسی چگونگی و دلایل حضور و مشارکت زنان ایرانی در پیاده‌روی اربعین" انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد پیاده‌روی اربعین به‌عنوان عظیم‌ترین گردهمایی شیعیان مورد توجه بوده و حضور و مشارکت زنان در این آیین از اهمیتی دوچندان برخوردار است؛ از این‌رو که زنان نقشی محوری در خانواده و در تربیت فرزندان داشته و بنابراین واکاوی دلایل آن‌ها برای شرکت در این پیاده‌روی، ضروری می‌نماید.

فرهادی (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان "پدیدارشناسی تجربه پیاده‌روی اربعین" انجام داده است. پژوهش حاضر، شرح یک پژوهش کیفی میدانی است که به تحلیل پدیدارشناختی یکی از مهم‌ترین تحولات مناسک دینی می‌پردازد؛ تجربیات زیسته زائران ایرانی در پیاده‌روی اربعین حسینی (سال ۱۳۹۶ - کشور عراق)، امروزه به دال مرکزی تحقیقات حوزه جامعه‌شناسی دین بدل شده است. نتیجه تحلیل مصاحبه‌ها شامل مقولاتی همچون تیپ زائران حاجتمند، زائران گردشگر، زائران سنتی (پارسا)، زائران ایده‌ال، زائران مناسک‌گرا، زائران مصلحت‌گرا، زائران فضا محور می‌باشند. بدین ترتیب، این پژوهش تلاشی

است در جهت خوانش و تفسیر علمی پیاده‌روی اربعین که با فرایندهای تحلیلی و نظریات مکمل به انجام رسیده‌است.

رحمانی در پژوهش خود با عنوان "تشیع پساصدام و پایان سندرم حسرت جغرافیای مقدس در تشیع" ضمن اشاره به محرومیت، رنج و اقلیت‌بودگی تاریخی تشیع از مفهومی به نام حسرت ارض مقدس نام می‌برد. ارض مقدسی که مصداق تام و تمام آن در فرهنگ شیعی، کربلاست. سرزمینی که از دوران عباسی تا صدام، زیارت حسرت‌مند آن با سختی تاریخی برای شیفتگان و شیعیان همراه بوده است. تا حدی که رحمانی از آن با تعبیر سندرم حسرت یاد می‌کند. به نظر نویسنده باز شدن راه کربلا و آسان‌یاب شدن دسترسی به آن، به از میان رفتن سندرم حسرت و در نهایت صورت‌بندی جدیدی در هویت شیعی منجر خواهد شد. همانی که رحمانی آن را تشیع پساصدام نامیده است.

سلیمانیه در پژوهش خود با عنوان "دانسته‌ها و نادانسته‌ها از منظری اجتماعی" به شناخت چندجانبه و علمی از پیاده‌روی اربعین دست یابد. از این روی به نادانسته‌های اربعین، واکنش‌ها به اربعین، تحلیل پیچیدگی‌های روند رو به رشد اربعین و در نهایت چرایی افزایش تصاعدی مشارکت‌کنندگان می‌پردازد.

امین در پژوهش خود با عنوان "حادّ واقعت ژان بودربار" بیان می‌کند ما اینک در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که به مدد تصویرسازی رسانه‌ها در خیال و تصورات غیر واقعی‌ای به سر می‌برد که هیچ نسبتی با واقعیت خارجی ندارند و با بهره‌گیری از این نظریه با ذکر مصادیق به بررسی انتقادی برخی تولیدات رسانه‌ای درباره پیاده‌روی اربعین می‌پردازد که رنگ و بوی شایعه به خود گرفته‌اند. از جمله شایعه رخداد معجزات غیبی یا حملات تروریستی و ناکامی‌آنها را بیان می‌کند.

رضوی‌زاده در کتاب خود با عنوان "دعوت شده‌ام به زیارت رنج‌آلود به این یافته رسید که پس از سیر و بررسی جامعه‌شناسی زیارت، به این نتیجه رسید که تجربه تعلیق امر مادی و روزمره، تجربه رنج مقدس به‌عنوان مولد معنا و برانگیزانندگی عاطفی مناسک جمعی زیارت را به همراه زیرگروه‌های جزئی‌تر هر یک، به‌عنوان نیت شرکت در راهپیمایی اربعین از محتوای مصاحبه‌ها استخراج و عرضه می‌کند.

مظاهری در پژوهش خود با عنوان "اربعین ایرانی" در تشریح رشد تصاعدی آمار ایرانی‌ها در پیاده‌روی اربعین (حدود ۵۵ برابر در طی شش سال) به این نتیجه رسید که از نظر مظاهری مواردی نظیر جاذبه گردشگری مذهبی، جاذبه تفریحی، جاذبه گفتمانی، جاذبه سیاسی برای نوعی مانور قدرت شیعه، جاذبه بین‌المللی از جمله علل این رشد است.

او در نهایت در ذکر پیامدهای این رشد هم به مواردی نظیر تغییر الگوی فرهنگ مذهبی با ظهور نمونه مناسک کپی شده داخلی پیاده‌روی اربعین با عنوان جاماندگان، حساسیت‌زایی سیاسی در بین دیگر قدرت‌ها و ملت‌ها، تنازع گفتمانی درونی شیعه، تعمیق شکاف سنی - شیعه و ایرانی‌زده شدن اربعین اشاره می‌کند. پیامدهایی که همگی در دنباله ایده و انداز اصلی مظاهری در مطالعات اجتماعی تشیع با عنوان فرجه شدن مناسک شیعی و در اینجا به‌طور خاص فرجه‌ی و ایرانی‌زده شدن پیاده‌روی اربعین است. لذا مناسک عرصه‌ای است که اعتقادات به رفتارها پیوند می‌خورند، به‌عبارت دیگر مناسک نه صرفاً عرصه تجربه و رفتار (پرکتیس) و نه صرفاً عرصه اعتقادات و امور ذهنی (ایده‌ها)، بلکه جایی هستند که یکسری باورهای مذهبی به رفتارهای عملی پیوند می‌خورند. به‌عبارت دیگر مناسک عرصه اصلی برساخت امر دینی (هم در بعد رفتاری و هم در بعد باورها) هستند و نقشی کلیدی در صورت‌بندی یک مذهب و سبک‌های دینداری اقشار مختلف اجتماعی هستند (دورکیم، ۵۷۸-۵۷۳: ۱۳۸۳). در کل محتوای آگاهی افراد از رهگذر حضور در مناسک ساخته می‌شود یا تغییر می‌کند. افراد در طی مناسک از حیات فردگرایانه روزمره، به جهان حیات جمعی و وجدان جمعی و آگاهی جمعی پیوندی مجدد پیدا کرده و موقعیت و وظیفه‌شان را نسبت به جامعه در خود بازتولید و تقویت می‌کنند (دورکیم، ۵۱۳: ۱۳۸۳).

نخستین ماده هر ایمانی باور به رستگاری از راه ایمان است و سؤال این است که (با منحصر کردن پدیده دین به فکرت و باورها) معلوم نیست چگونه یک فکرت ساده می‌تواند چنین نتیجه کارآمدی به بار آورد. فکر در واقع چیزی جز عنصری از خود ما نیست؛ پس چنین عنصری چگونه می‌تواند قدرتی به ما بدهد که برتر از قدرت‌هایی باشد که ریشه آنها در طبیعت ماست؟ چنین فکری هر قدر هم که از لحاظ هنرهای عاطفی‌اش غنی باشد نخواهد توانست چیزی بر شور حیاتی طبیعی‌مان بیفزاید؛ زیرا همه قدرت‌اش در این خواهد بود که فقط همان نیروهای عاطفی موجود در ما را به حرکت در بیاورد، نه اینکه نیروهایی تازه بیافریند یا چیزی بر نیروهای موجود بیفزاید از اینکه ما چیزی را شایسته دوست داشتن و مطلوب برای خودمان تصور می‌کنیم نتیجه نمی‌شود که ما به صرف این تصور، خود را نیرومندتر حس کنیم؛ برای این کار لازم است که از این چیز نیروهایی برتر از آنهایی که در خود ما وجود دارند ساطع شود و از این بالاتر، ما نیز وسایلی داشته باشیم که آن نیروهای ساطع شده را به درون خود ببریم و با حیات درونی‌مان بیامیزیم و معلوم است که برای رسیدن به این مقصود فقط اندیشیدن به این نیروها کافی نیست؛ بلکه ضرورت حتمی دارد که خود را در سپهر عمل آنها قرار دهیم و در جهتی بچرخیم که در آن جهت

تأثیر آنها را بهتر می‌توانیم حس کنیم در یک کلام لازم است که عمل کنیم. از این نظر، پیداست که مجموعه اعمال منظم تکرار شده‌ای که در کیش عبادی از آنها تشکیل می‌شود تا چه حد اهمیت دارد. در واقع کسی که به واقع به آداب دینی عمل کرده است، می‌داند که همه این تأثرات، برانگیزاننده آرامش درونی، صفای باطن و شوق که از نظر مؤمن دلیل بر صحت تجربی باورهای وی هستند از آثار و برکات عمل به کیش عبادی‌اند. کیش عبادی فقط دستگاهی متشکل از علایمی که ایمان از راه آنها ترجمان بیرونی پیدا می‌کند نیست؛ بلکه مجموعه وسایلی است که ایمان و احساس دینی از راه آنها ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود (همان).

ملاحظات مفهومی

پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی به‌گونه‌ای است که هیچ نظریه‌ی واحدی نمی‌تواند به‌طور جامع یک پدیده‌ی اجتماعی را تبیین نماید. اربعین حقیقتی است که اضلاع وجودی‌اش گسترده است، لذا راهپیمایی اربعین بسیاری از نظریات و دیدگاه‌های جامعه‌شناسان غربی را به چالش کشیده است، این که بیست میلیون نفر از جوامع و فرهنگ‌های مختلف با یک هدف و در یک مسیر مشترک راهپیمایی داشته باشند، در قاموس مبانی فکری و نظری غرب نمی‌گنجد. شایان ذکر این در این پژوهش از رهیافت پژوهش کیفی استفاده می‌شود و نظریه‌ها در راستای حساسیت نظری ارائه می‌شود. در تحقیق حاضر مدل مفهومی اولیه بر آمده از مبانی نظری و پیشینه تجربی بعد از اجرای فاز کیفی توسعه می‌یابد.

حضور فراملیتی در مراسم پیاده‌روی اربعین یکی از مسائل جذابی است که در تمامی گزارش‌های خبری مخابره شده از این رویداد بزرگ به چشم می‌خورد. این حضور فراملیتی به قدری پررنگ است که آمارها از حضور اتباع بیش از هشتاد کشور جهان در این رویداد عظیم حکایت دارد (قندی و شکوری، ۱۳۹۵:۱۱۲). دین باوری صورتی از مبادله است (در تمام بحث‌های ما منظور از دین، یک حقیقت کلامی و معرفت‌شناختی نیست، منظور واقعیت‌هایی بنام باورها و عقاید مردم، ارزش‌هایی که مردم به آن قائل هستند، مناسکی که عمل می‌کنند و نهادهای اجتماعی‌ای که کارکردهای دینی دارند و یا خصیصه‌های دینی دارند، است)؛ معتقد هستند که یک کلان روندهایی وجود دارد که سبب شده سازوکارها و خاصیت‌های مبادله‌ای برای دین بیشتر شود یعنی شانس دین برای ورود به سازوکارهای مبادله‌ای زیست اجتماعی انسانی بالا می‌رود.

ترنر^۱ (۱۹۷۴) با الهام از ون جنپ آیین را شامل سه مرحله جدایی، آستانگی و پیوست می‌داند. ویکتور ترنر معتقد است زیارت پدیده‌ای آستانه‌ای (بارگاهی) است و آن را فرآیندی مناسبی تعریف می‌کند. اساس استدلال ترنر این است که نقطه مرکزی در عالم زیارت فرد، مکان زیارت است. لذا فرد به‌طور خاص به بعد فضایی زیارت توجه می‌کند. مورینیس^۲ در مقدمه کتاب مردم‌شناسی زیارت می‌گوید زیارت تولد آرزوها و اعتقادات است؛ آرزوها راه‌حلی از میان انواع راه‌حل‌های انسان برای حل مشکلات و اعتقادات، و عقیده به قدرت ماورایی برای حل و درمان مشکلات حل‌نشده و درمان‌ناپذیر هستند. زیارت مظهر امر آرمانی و متعالی است (نورمن^۳، ۲۰۰۴). استارک و بین بریج، عبادت را نوعی مبادله تلقی می‌کنند و آن را کوششی برای به دست آوردن پاداش‌های دلخواه در غیاب چاره‌های دیگر می‌دانند (همیلتون^۴، ۱۳۸۷). در این معنا، عمل مناسبی زیارت متضمن چاره‌جویی انسان برای رسیدن به آرزوهای خویش با توسل و تمسک به افرادی است که قدرت خارق‌العاده‌ای دارند.

از نظر استارک^۵، افراد در موقعیت‌های اجتماعی مختلف، به خاطر اینکه دارای محرومیت‌های متفاوتی هستند، در دینداری خود و در تعریف خود به‌عنوان یک شخص دیندار، بر جنبه‌های و ابعاد مختلفی از دینداری تأکید دارند (استارک، ۲۲۵-۲۲۳: ۱۹۸۶). دورکیم نیز بر این باور است که دینداری افراد با شدت و نحوه پیوند آنها با گروه‌های اجتماعی ارتباط دارد (دورکیم^۶، ۲۸۹: ۱۳۸۳). استدلال وبر نیز این است که طبقات هر کدام دارای نیازها و تجارب متفاوتی هستند؛ بنابراین به تبع این نیازها و تجارب گوناگون، افراد و گروه‌ها به جهت‌گیری‌ها و تفاسیر دینی متفاوتی تمایل پیدا می‌کنند (وبر^۷، ۹۴-۸۰: ۱۹۲۲). البته وبر دین و دینداری را به عوامل اجتماعی و مادی تقلیل نمی‌دهد، به عقیده او عوامل اجتماعی هر چقدر هم که بر تعابیر و تفاسیر دینی تأثیر بگذارند، محتوای اساسی دین از بشارت‌ها و اصول اعلام شده آن دین سرچشمه می‌گیرد (همان: ۹۲-۹۱). با اتکاء به این دیدگاه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که هر کدام از عوامل مذکور به نوعی در مواجهه افراد با امر مناسبی زیارت و معنابخشی به آن تأثیر گذارند.

¹ Turner

² Murray Nice

³ Norman

⁴ Hamilton

⁵ Stark

⁶ Durkheim

⁷ Weber

زیارت دیدار خودخواسته اماکن مقدس است که ابعاد عینی و ذهنی دارد؛ بعد عینی زیارت متضمن نهادمندی و توجیه‌مندی است. در حالی که نهادمندی زیارت حاصل انجام مکرر عمل زیارت در چارچوب آداب و احکام معین مذهبی است، توجیه‌مندی زیارت عمدتاً شامل مجموعه احادیث و روایاتی است که در فضیلت و ثواب زیارت نقل شده و از طریق فرآیندهای پرورش و یادگیری اجتماعی زیارت را توجیه‌پذیر می‌کند. بعد ذهنی زیارت متضمن درونی‌سازی معنای زیارت است که به آگاهی زائر از خارق‌العاده بودن زیارت‌شونده و خضوع در برابر او می‌انجامد (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۱).

تجربه دینی (در اینجا تجربه زیارت) دارای سه ویژگی اصلی است: نخست اینکه متضمن آگاهی از امر متعالی است (گیسلر^۱، ۱۳۷۵:۳۹)، دوم اینکه شخص مذهبی به امر متعالی به‌عنوان غیر خودش آگاهی دارد (همان: ۴۱) و سوم اینکه احساسی از خضوع و خشوع در برابر امر متعالی تجربه می‌کند (اتو، ۱۳۸۰). در تجربه زیارت نیز آگاهی به خدا در مقام قادر متعال و آگاهی به امام به‌عنوان واسطه خدا وجود دارد که زائر می‌تواند آن را وصف کند و احساس آرامش، خضوع و خشوع در او ظاهر گردد. زیارت نوعی توسل و تمسک به امر مقدس و متعالی تلقی می‌شود که زائر در آن به دنبال معنای گمشده خود می‌گردد و زیارت به سرگشتگی او خاتمه می‌دهد و او را به آرامش می‌رساند (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۱). در نظریه‌ی پیوستگی انقلاب اسلامی، میراث عظیم اسلامی را که یک امر سنتی است با گذار از گسستگی که دنیای مدرن ایجاد کرده بود، به دنیای بعد از مدرن بیاورد. در واقع، انقلاب اسلامی با اینکه خود یک امر سنتی است ولی در دنیای مدرن سر برآورده است.

در بیان چیهستی مفهوم تمدن نوین اسلامی، نظری دارم که پس از بیان مقدمه‌ای در رابطه با انقلاب اسلامی آن را عرض خواهم کرد. در انقلاب اسلامی می‌توان دو نظریه را مقابل هم قرار داد: نظریه پیوستگی و نظریه گسستگی. نظریه پیوستگی این است که انقلاب اسلامی، میراث عظیم اسلامی را که یک امر سنتی است با گذار از گسستگی که دنیای مدرن ایجاد کرده بود، به دنیای بعد از مدرن بیاورد. انقلاب اسلامی، مدرن نیست، حتی پست مدرن - آن‌گونه که میشل فوکو می‌گوید - هم نیست، انقلاب اسلامی یک انقلاب سنتی است. اما اگر سنتی است پس در عالم مدرن چه می‌کند.

اربعین به‌عنوان امری که هنوز احیای سنت است رگه‌هایی از جنبه‌های جدید را در آن می‌توانیم ببینیم. به این نکته باید توجه داشت که تمدن اسلامی ویژگی‌ای دارد که در

^۱ Geissler

تمدن غربی نیست. بیان شد که تمدن‌ها سه ویژگی دارند: ابزار، عقلانیت و فضایل اخلاقی. تمدن غربی در فضائل اخلاقی تک‌بعدی است، تمدنی مادی و ناسوتی است. بزرگ‌ترین شعار آن هم، قدسیت‌زدایی از عالم بوده است، منتها راهپیمایی اربعین، قدسی است. نقطه آخر و مرکزی آن، زیارت امام حسین (علیه‌السلام) است و خود این زیارت، یک کانون قدسی است.

به‌عبارتی این سبک راهپیمایی قبل از انقلاب اسلامی نبوده است. این راهپیمایی، قدسی است. خود این قدسیت نشان می‌دهد که راهپیمایی اربعین، فرهنگی چندساحتی دارد. این، در مقابل تمدن تک‌ساحتی غرب قرار می‌گیرد. این جلوه‌های مختلفی است که نشان می‌دهد علیرغم اینکه تمدن غربی قدسیت‌زدایی کرده و سنت را تمام شده می‌دانسته است، این سنت - راهپیمایی اربعین - بعد از مدرن دوباره زنده شده است. جلوه‌های تمدنی آن در حوزه فضائل اخلاقی خیلی شدید است: عدالت، معنویت و محبت خیلی زیاد است. راهپیمایی اربعین، راهپیمایی ملی نیست؛ نه برای عراقی‌هاست، نه برای ایرانی‌ها و نه برای لبنانی‌ها. در واقع، برای کشور خاصی نیست و جنبه‌ای فراملی دارد. این خود، نشان‌دهنده یک زیست‌تمدنی است. در راهپیمایی اربعین هم، ممکن است همه خیلی مقید به احکام نباشند؛ اما آنجا زندگی مؤمنانه و نظمی مؤمنانه را تجربه می‌کنند. آنجا فضای سکولار نیست و تکلیف همه معلوم است. سبک زندگی مقدس دیده می‌شود و همه با آن نسبت دارند. برادران اهل تسنن و حتی از مذاهب دیگر مثل ارتدوکس‌ها و کاتولیک‌های مسیحی هم به این مراسم می‌آیند و منعی برای ایشان جهت شرکت در این راهپیمایی نیست. این نشان‌دهنده آن است که راهپیمایی اربعین می‌تواند با فرهنگ‌های دیگر نسبت برقرار کند. پس اصولاً تمدن اسلامی - که یکی از جلوه‌های امروزش در جامعه‌ی مدرن، راهپیمایی اربعین است - قدرت نسبت برقرار کردن با همه چیز را دارد. البته با برتری سبک زندگی اسلامی، نظم مؤمنانه و آن کانون مقدسی که در آن وجود دارد.

به نظرم مهم‌ترین بحث راهپیمایی اربعین جلوه‌ای است از نظریه پیوستگی که توانسته یک امر سنتی را از گذشته آورده و با عبور از عالم مدرن، کاملاً در یک ظهور اجتماعی به این گستردگی و با این ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نشان دهد. به‌طوری که برخی از محققین در آمریکا بحث کرده بودند که راهپیمایی اربعین، طرح خاورمیانه جدید آمریکا را کاملاً به هم زد و ملت‌های ایران، عراق، لبنان، سوریه و غیره را در یک

ترکیب جدید قرار داد. نه تنها این کشورها تجزیه نشدند بلکه وحدتی مؤمنانه را در راهپیمایی اربعین تجربه کردند.

یکی از بحث‌های که می‌توان درباره نظریه مبادله و بحث دین در دنیای امروز بیان کرد بحث کالایی شدن دین است یعنی دینداری چه در سطح دولت‌ها و انحصارات دولت و چه در سطح زندگی روزمره مردم کالای رستگاری و بخشی از مبادلات انسانی می‌شود. برای نمونه حافظان قرآن بدون کنکور وارد سیستم دانشگاهی می‌شوند یا بانک‌داری اسلامی بسیاری از مصونیت‌های قانونی لازم را برای خود فراهم می‌کند یا مثلاً تظاهر به دین برای اشتغال، ضرورت حضور یک روحانی برای کسب مجوز برای تأسیس مؤسسه آموزش عالی.

امام حسین (ع) می‌فرماید: «الناسُ عبیدُ الدنيا و الدین لعق علی السنتمهم یحوظونه مادرت معایشهم فاذا مَحَصُوا بالبلای قَلَّ الدیانون؛ مردم بنده دنیایند و دین بر زبانشان می‌چرخد و تا وقتی زندگی‌هاشان بر محور دین بگردد، در پی آنند، اما وقتی به وسیله بلا آزموده شوند، دینداران اندک می‌شوند. هروپولز^۱ و دیگران بعنوان یک جامعه‌شناس دین در فرانسه، مسئولیت مرکز مطالعات دین را بر عهده دارد. ایشان آثار زیادی دارد از جمله «دین به مثابه زنجیره حافظه^۲ این نظریه بیان می‌کند که تحول در کنار تکثر با شتاب وسیعی سبب شده که فراموشی جمعی نسبت به اسطوره‌ها و باورها بوجود بیاید و حافظه و به نوعی ثبات از بین رفته است. گئورگ زیمل^۳ در کتاب کلان‌شهر و حیات ذهنی^۴ بیان می‌کند که کلان‌شهرها، حیات ذهنی انسان را مناقشه‌آمیز کرده است و فردیت انسان از سنت آزاد شده و جامعه تخصصی شده و تنش ناشی از زمان‌سنجی برای انسان ایجاد شده است، عقلانیت شهری زمینه‌ای شده که آگاهی زیاد شود ولی عواطف کم شده است و به تعبیر وبر جریان معرفتی به ضرر جریان عاطفی عمل کرده است. مثلاً آنجایی که وبر بوروکراسی را مطرح می‌کند بوروکراسی یک سازمان عقلانی برای کار و مدیریت جامعه است و این عقلانیت همه چیز را تحلیل می‌کند و سطح عینی فرهنگ بر سطح ذهنی آن غلبه پیدا کرده است.

^۱ Danièle Hervieu-Léger

^۲ religionas a chain of memory

^۳ Simmel Georg

^۴ metropolis and mental life

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی و زمینه‌مند است. فلیک، روش‌های کیفی را در سه دسته توضیح می‌دهد؛ کنش متقابل نمادین، مردم‌نگارانه و روان‌کاوانه. این پژوهش را می‌توان تلفیقی از رویکرد اول و دوم دانست در این رویکرد، همزمان هم روایت محقق و هم روایت‌های سوژه‌های تحت مطالعه لحاظ می‌شود. روایت هم یک شیوه استدلال و هم یک شیوه بازنمایی است. انسان‌ها جهان را در قالب روایت می‌فهمند و آن را در قالب روایت بیان می‌کنند (آسابرگر، ۱۳۸۰). منظور از روایت، یک داستان روایی است که نه تنها شامل گفتمان روایی بیان شده توسط راوی است، بلکه شامل گفتمان بیان شده کنشگران و نقل قول‌هایی است که راوی از گفته‌های کنشگران ارائه کرده است. روایت‌ها تاریخ سوژه‌ها هستند؛ آنها بیانگر غنا، فقر احساسات، اندیشه‌ها و تجربیات انسانی هستند (صفی‌ئی، ۱۳۸۸:۱۵۰). بیشتر پژوهشگران مدعی هستند برخلاف روش‌های کمی، در روایت‌ها، چند صدایی وجود دارد (توریل و معین، ۲۰۰۹). و این چند صدایی بودن می‌تواند به بازتاب بهتر واقعیت موجود در میدان کمک کند، بر این اساس، در مطالعه میدانی حاضر نیز، روش بکار گرفته شده، تحلیل روایت بوده است. نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده‌اند و مصاحبه‌ها به شکل کیفی و عمیق در مدت یک هفته در میدان تحقیقی شامل منطقه مرزی چذابه و مسیر پیاده‌روی به کربلا انجام شده است. در مرحله بعد این مصاحبه‌ها مورد بررسی قرار گرفته و متن‌های استخراج شده از آنها در قالب ۲۱ روایت مختلف منظم شده‌اند. در این میان داده‌هایی نیز به صورت پراکنده و خارج از قالب مصاحبه‌های متمرکز بدست آمده که در اثنای متن و تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفته و به این داده‌ها نیز استناد شده‌است. هر روایت ابتدا به صورت مجزا بیان شده و سپس در کنار سایر روایت‌ها، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. محورهای معنای مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در زمینه تجربه زیارت شامل موارد ذیل بوده است: شرایط اجتماعی - اقتصادی، چگونگی فراهم شدن مقدمات سفر، عشق به امام حسین، رو کم کنی از دشمن، نمایش پر قدرت مناسک دینی، دفعات آمدن به زیارت و مدت زمان آن، چگونگی انجام زیارت، حس و حال ناشی از تجربه زیارت، تصور زائر از امام (ع)، ارادت و عشق زائر نسبت به امام، خواسته‌های زائر، برخورد با خواسته‌های اجابت نشده، خاطرات طول مسیر پیاده‌روی، آمرزش گناهان، حالات و تغییرات پس از زیارت، تجربیات معنوی تازه، نذر و عهد و پیمان با امام می‌باشد. در این پژوهش برای بررسی اعتبار یافته‌های مصاحبه از تکنیک خود بازبینی محقق و

تثلیث داده‌ای استفاده شده است. همچنین با استفاده از رویه‌های ویژه‌ی کدگذاری پایایی یافته‌های مصاحبه بررسی گردید.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

کد	جنس	محل سکونت	شغل	سن	وضعیت جسمانی	انگیزه حضور
۱	مرد	اصفهان	بازنشسته	۵۰	سالم	خدمت به زائرین
۲	مرد	دزفول	آزاد	۴۷	سالم	حضور در مرز به نیت زیارت
۳	مرد	سمنان	کارمند بانک	۳۳	سالم	زیارت - شور مذهبی
۴	مرد	سمنان	نظامی	۳۵	سالم	زیارت - برآوردن حاجت
۵	زن	یزد	خانه دار	۲۸	معلول	زیارت - شور مذهبی
۶	مرد	سمنان	کارمند بانک	۳۱	سالم	خدمت به زائرین
۷	مرد	خرم‌آباد	کارگر	۶۷	سالم	عشق به زیارت
۸	مرد	بستان	بیکار	۲۶	معلول	به عشق امام حسین
۹	مرد	هویزه	آزاد	۵۴	سالم	به عشق امام حسین، خدمت به زائران
۱۰	مرد	تهران	نظامی	۴۴	سالم	عشق به امام حسین، خدمت به مردم
۱۱	مرد	شیپان	آزاد	۳۸	سالم	عشق به امام حسین، خدمت به مردم
۱۲	زن	شوش	خانه‌دار	۳۴	سالم	عشق به اهل بیت
۱۳	زن	مشهد	خانه‌دار	۳۷	سالم	عشق به امام حسین
۱۴	مرد	هویزه	آزاد	۲۷	سالم	خدمت به امام حسین و زائر امام حسین
۱۵	زن	اهواز	دانش‌آموز	۱۷	سالم	عشق به امام حسین، نوکری پسر زهرا، تبلیغ راه علی، مشتی بر دهان آمریکا
۱۶	مرد	اهواز	استاد دانشگاه	۴۸	سالم	رضایت خدا و امام حسین، انجام وظیفه، سفارش اهل بیت به زیارت
۱۷	مرد	اهواز	استاد دانشگاه	۵۳	سالم	فرصت اندیشیدن، انتقال معنویت به فرزندان، ثواب اخروی
۱۸	مرد	اهواز	استاد دانشگاه	۵۸	سالم	سفارش اهل بیت به زیارت
۱۹	مرد	اهواز	استاد دانشگاه	۵۴	سالم	بالا نگهداشتن بیری وحدت
۲۰	مرد	اهواز	روحانی	۴۹	سالم	قدرت‌زدایی از تفکر سکولاریسم و افزایش وجه قدسی
۲۱	مرد	بستان	کارمند	۴۶	سالم	رسالت شیعه بودن، رسالت انسانی

مؤلفه‌های مناسک زیارتی اربعین از منظر زائران

مفاهیم مربوط به مرحله کدگذاری باز در مرحله کدگذاری محوری، در قالب پانزده مقوله عمده کدگذاری و در مرحله کدگذاری گزینشی به استخراج مقوله هسته «پیاده‌روی اربعین در بستر تعلیق قشربندی و عقلانیت ابزاری» منجر شد که مقوله مرکزی این پژوهش به شمار می‌آید.

جدول ۲: مقوله‌های فرعی، اصلی و هسته استخراج شده پژوهش به تفکیک اجزای مدل پارادایمی

مقوله هسته	مقوله اصلی	مقوله فرعی	اجزای پارادایم	
پیاده‌روی اربعین نمود زیست‌جهان مدرنیته و و ساخت دوباره خود	نمایش پر قدرت مناسک دینی زیر سایه تردیدهای عرفی شدن		شرایط علی - زمینه‌ساز - مداخله‌گر	
	کم‌رسانی و همدلی مسئولین و مردم مناطق مختلف استان‌های مرزی			
	نگاه متفاوت به چالش‌ها و تهدیدات امنیتی			
	تنگنای دسترسی به خدمات و امکانات	ضعف زیرساخت‌ها و جاده‌ها		
بی‌نظمی در ارائه خدمات				
سانسور رسانه‌های اربعین در جهان اسلام و غرب		پخش مستمر برنامه بر علیه مناسک مذهبی		
	بی‌توجهی و سانسور تصاویر اربعین			
	ملاحظات کار و زندگی			
	تعلیق قشربندی اجتماعی			
	تعلیق عقلانیت ابزاری			

مقوله هسته	مقوله اصلی	مقوله فرعی	اجزای پارادایم
	اشاره به زیارت‌ها و ادعیه مرتبط با ارزش زیارت امام حسین (ع)		استراتژی‌های کنش - تعامل
	تلقی مرگ به مثابه شهادت در این مسیر		
	ادراک امر قدسی و غیبی		
	باور به برآورده شدن حاجات معنوی		
	افزایش ظرفیت‌های معنوی افراد و شکوفایی آن‌ها		پیامدها
	افزایش وحدت ملی		
	اربعین فرصت جامعه‌پذیری جوانان و نوجوانان در طول پیاده‌روی		

در ادامه به هر یک از این مقوله‌ها و سپس مقوله هسته پرداخته و توضیحاتی در خصوص رابطه این مقوله‌ها با مقوله هسته ارائه گردیده‌است.

شرایط علی تأثیرگذار بر پیاده‌روی اربعین

مجموعه‌ای از اپیزودهای اصلی معنایی در قالب شرایط علی زمینه‌ساز بر شکل‌گیری نظام معنایی مشارکت‌کنندگان اثر دارند و به‌عبارت دیگر، مستندات عملکرد این افراد را شکل داده و جهت‌دهی می‌کنند عبارتند از:

نمایش پرقدردن مناسک دینی زیر سایه تردیدهای عرفی‌شدن: در جامعه جدید مراسم و مناسک بدون برخوردارگی از درجه مطمئنی از نظام اعتقادات قادر به ادامه حیات نیستند و باید اعتقادات و انجام فرایض دینی را به مثابه یک کل واحد به حساب آورد. اکثر تفسیرهای قابل قبول تفسیرهایی هستند که مسائل نظری و عملی در دین را به مثابه مقوله واحدی می‌بینند که به‌طور جدایی‌ناپذیر به هم مرتبط هستند. بنابراین یک بخش بسیار مهم از دین همان مراسم و مناسک دینی است. آنچه که مراسم و مناسک را در حیات اجتماعی جامعه ما از دیگر جوامع متمایز می‌سازد، نه وجود مراسم و مناسک، بلکه ویژگی‌هایی از جمله گستردگی، تنوع، قدمت، تداول، تأثیرگذاری، هنجارآفرینی و نقش‌آفرینی آنها در کنش‌های فردی و اجتماعی است. تا آنجا که می‌توان گفت کمتر فعالیت اجتماعی به وسعت مراسم و مناسک دینی در حیات اجتماعی، سیاسی و ... ما

حضور داشته و تأثیرگذار است (جمشیدی‌ها، ۱۳۸۶). عرفی‌شدن را در علم جامعه‌شناسی به نقل از لاری شاین (جامعه‌شناس دین آمریکایی) با شش مؤلفه افول دین، هم‌نوایی با این دنیا، رهایی جامعه از قید دین، جابه‌جایی باورها و نهادهای دینی، تقدس‌زدایی^۱ از عالم و حرکت از جامعه‌ای مقدس به جامعه‌ای عرفی و سوداندیش می‌باشد (پویافر، ۱۳۹۷).

محمد از کسبه بازار اهواز است که البته کارشناس ارشد فقه و حقوق نیز می‌باشد. به هنگام بازگشت او از زیارت کربلا و در مرز جذابه فرصت گفتگو فراهم شد. او در این باره می‌گوید: «پیاده‌روی اربعین یک مناسک بی‌نظیره، نمی‌توان مناسکی را با گستره اجتماعی، اعتقادی، سیاسی پیاده‌روی اربعین پیدا کرد. ضمن اینکه زنان و مردان هر دو جنس حضور فعال دارند شاهد حضور سنین مختلف هم هستیم. یعنی حضور کودکان، جوانان، سالمندان زن و مرد خیلی پررنگ است. از طرف دیگر در این پیاده‌روی افراد با ملیت‌های مختلف و از طبقات و اقشار مختلف حضور دارند و همه آمدند که باورها و عقایدشان را نشان دهند و مناسک‌شان را با حداکثر توان به جا بیاورند. از این منظر اربعین قدرت تأثیرگذاری بسیاری دارد که بیش از گذشته می‌توان از این اجتماع بهره‌برداری اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی - سیاسی کرد».

در سال‌ها و دهه‌های اخیر افراد فراوانی با انتشار مقالات و سخنرانی‌های متعدد از عرفی‌شدن دین سخن گفته‌اند. در حوزه جامعه‌شناسی دین هم این عرفی‌شدن چنان متداول شده که یک متغیر جدی به حساب می‌آید. اما برپایی پورشور مراسمی همچون اربعین نشان می‌دهد دین همچنان حضوری قدرتمند در زندگی مردم دارد.

یکی از اساتید دانشگاه در این باره می‌گوید: «می‌خواستن کربلا و زیارت قبور ائمه را از زندگی ما حذف کنند. تلاششان را کردند. نهایت تلاششان را. همواره یک شرایطی پیش آوردند که رفتن به آنجا به راحتی میسر نبوده است. آمریکایی‌ها و صدام این را برای ما رویا کردند در یک مقطعی. یک دفعه صدامی که دیوانه بود و تمام موانع را برای شیعیان و حتی اهل سنت عراق فراهم کرده بود که به کربلا نروند، شرایطی را ایجاد کرد که ایرانی‌ها به زیارت بروند». همچنین رضا جوان دهه هفتادی است که از اصفهان به اهواز مرز شلمچه رهسپار کربلا شده است. او از لذت تجربه مناسک جمعی عاشورا می‌گوید: «خیلی لذت بردم از اینکه همراه جوانای دیگه رفتم زیارت. میلیون‌ها آدم عاشق خداجو راه افتادن توی این بیابونا. فکرش رو کنید که در جمع بودن چقدر لذت‌بخشه».

^۱ desacralization

سانسور رسانه‌ای اربعین در جهان اسلام و غرب: گردهمایی جهانی اربعین را از هر زاویه که به نظاره بنشینیم جلوه‌هایی از اخلاص و ایمان در آن می‌بینیم. از همین روی زوایا و ابعاد مختلفی از این موضوع برای رسانه‌ها اهمیت می‌یابد و می‌تواند ارزش خبری، مستند و ... داشته باشد. و مورد توجه و استقبال مخاطبان قرار گیرد.

یکی از اساتید دانشگاه در این زمینه می‌گوید: «رسانه‌ها دو سه دسته هستند. یک دسته از آنها خودی هستند و تمام تلاششان را می‌کنند به خوبی نمایش داده شود، مثل مدیای عراق، یا مثلاً صدا سیمای خودمان. به نظر صدا و سیمای خودمان تمام تلاششان را می‌کنند حتی المقدور پوشش‌دهی خوبی از این پیاده‌روی داشته باشند. اما عظمت قضیه خیلی بزرگ‌تر از آن است که اینها بتوانند تمام وجوه آن را نشان دهند. شما در این مسیر چند قدم که بروی گریه می‌کنی، من چه کنم که اشکم جاری شود؟ این جاری شدن اشک ساده نیست. این چشمه‌های معنویت آدم است که جاری می‌شود و این آدم را متحول می‌کند. انسان در این مسیر چیزهایی می‌بیند که با هیچ زبانی قابل بیان نیست. بچه‌ای را می‌بینی که سه چهار ساله است، یا کسی که پا ندارد. روی دست‌هاش حرکت می‌کند. طرف فلج است اما در هیچ مسیری این‌طور نمی‌رود که الان می‌رود.

رضا می‌گوید: «در راهپیمایی اربعین حسینی (ع) سالانه میلیون‌ها نفر از مردم ایران حضور یافته و از سوی برادران ایمانی خود در عراق مورد پذیرایی قرار می‌گیرند، این پذیرایی مردم عراق تا به آن حدی است که در تاریخ سابقه نداشته و نظیری برای آن نمی‌توان یافت. یک وجه این موضوع این است که برادری و اتحاد دو ملت مورد توجه قرار گیرد و دنیا ببیند چگونه دو ملت که در نتیجه سیاست‌های بعضی آن همه خسارت را دیدند حالا دل‌هایشان برای هدف مشترک به هم نزدیک شده».

بنابراین با وجود حرکت مثال‌زدنی و کم‌نظیر و بهتر است بگوئیم بی‌نظیر این حماسه رسانه‌های بین‌المللی که از هر سوژه‌ای برای ایجاد اختلاف و یا اختلاف‌نمایی میان ملل مسلمان سوء استفاده می‌کنند این راهپیمایی و تجمع بیست میلیونی را سانسور کرده و درباره آن هیچ خبر و گزارشی مخابره نکرده‌اند. این سانسور تنها به تجمع سال جاری منحصر نبوده در سال‌های گذشته نیز رسانه‌های بین‌المللی که کوچک‌ترین و کم ارزش‌ترین خبرها مانند جشن ولنتاین، جشنواره پرتاب تخم مرغ، مسابقات گاوپازی و ده‌ها همایش و جشنواره و تجمع مضحک دیگر را چندین بار از تلویزیون‌های خود پخش می‌کردند، در برابر تجمع عظیم چندین میلیونی اربعین سیاست سانسور و سکوت خبری را پیش گرفته بودند که این سیاست همچنان ادامه دارد».

تعلیق قشربندی اجتماعی: قشربندی اجتماعی جایگاه و موقعیت افراد مختلف را در جامعه مشخص می‌سازد و بدیهی است بهره‌گیری افراد از مزایا متأثر از جایگاه آنان در این سلسله مراتب است. در پیاده‌روی اربعین افراد بدون توجه به این ساختار قشربندی در کنار یکدیگر و دوشادوش هم به سمت یک هدف متعالی قدم در مسیر می‌گذارند. استاد، دانشجو، مدیر عامل، کارگر، کارمند و دیگر اقشار جامعه در راه تبادل تجربه می‌کنند و همدیگر را از پیش رو و پشت سر مطلع می‌کنند.

فاطمه کارمند اداره جهاد کشاورزی خوزستان است تجربه خود را چنین بیان می‌کند: «در تمام مسیر آدم‌های سرشناس و مردم عادی را کنار هم و دوشادوش می‌دیدم. تنها جایی بود که در این سال‌ها می‌دیدم فاصله مردم و مسئولین واقعا از میان برداشته شده است. هیچ فاصله مادی به چشم نمی‌آورد. همه روی پاهای خودشون راه می‌رفتند و خبری از ماشین‌های لاکچری نبود. همه نون گرم تازه رو سر صف می‌ایستادند و می‌گرفتند و خبری از غذاهای آنچنانی و دورریزهای فراوان این غذاهای آنچنانی نبود».

تعلیق عقلانیت/بزاری: عقلانیت ابزاری به زبان ساده تناسب بین هدف و وسایل مادی را نمایندگی می‌کند و بدین ترتیب درک درستی از موقعیت را برای کنشگر محقق می‌سازد. در پیاده‌روی اربعین و در طول مسیر افراد بسیاری بدون هیچ چشمداشت مادی قدم در مسیر زیارت گذاشته‌اند و تعداد زیادی از سایر افراد به ارائه خدمات به شکل داوطلبانه به آن‌ها مشغول‌اند. خدمت‌رسانی به زائرین گاه با تهیه و طبخ غذا انجام می‌شود و گاه با برپایی موبک و محل استراحت. هیچ‌کدام از این خدمات در ازای دریافت پول و یا هر پاداش مادی انجام نمی‌شود و فلسفه انجامش را صرفاً با جهان‌بینی دینی می‌توان درک کرد.

ابومحمد که همراه پسرش در مرز چذابه و در غرفه کوی پردیس اهواز در حال خدمت به زوار است می‌گوید: «هشت روز است که اینجا مشغول به تهیه غذا و پذیرایی با چای از مسافران است و حتی یک لحظه خسته نشده است». او که تمام این مدت سر پا ایستاده و رنگ و رویش آفتاب سوخته شده است اینجا جای حساب و کتاب نیست چون آگه اینطور نگاه کنیم هممون بدهکاریم به خدا و امامان. تا ابد بدهکاریم. اینجا یه ذره از این بندگی رو میشه نشون داد و یه کم میشه ابرازش کرد».

شرایط زمینه‌ساز برای ایجاد سیاست‌های لازم در تقویت فرصت‌های ایجاد شده توسط بُعد مردمی پیاده‌روی اربعین

برساخته شدن فضای سیاسی؛ پراکتیس سیاسی عموماً دربردارنده ستیز و مبارزه بر سر قدرت و کنش‌های مبتنی بر همکاری در راستای پیش‌برد اهداف جامعه یا گروه است. چرا که مسائل سیاسی بین دولت‌ها بر مردم تأثیر می‌گذارد. معرفت و شناخت نسبت به اربعین همیشه بوده اما اینکه یک‌دفعه به این شکل یک اجتماع بزرگ مسلمین تشکیل شود آن هم زمانی که اجتماع حج عقیم شده، خدا انگار این حرکت را متولد کرده که بلاخره ندای استکبارستیزی و همه چیز از آن بیرون آید.

عباس در این رابطه می‌گوید: «اگر این حج که محور وحدت جامعه اسلامی و حتی غیر اسلامی مصادره شد به دست دشمنان اسلام، آنوقت جایگزین آن مرقد مطهر و شریف امام حسین و یاران شریفش است». شریف هم این‌چنین می‌گوید: «باید کمک کنیم تا مردم بیشتری بیایند و خیالشان راحت باشد. من اینطور امام حسین را زیارت می‌کنم، کاری می‌کنم تا هر سال مردم بیشتری بیایند، تا امام حسین از ما راضی باشد، تا چشم دشمن را کور کنیم. ما مسلمانیم نباید بگذاریم دغدغه‌های اقتصادی و گرفتاری‌ها ما را از راه اسلام و خون حسین جدا کند. نباید بگذاریم دشمنان اسلام خوشحال شوند».

هویت‌سازی جامعه شیعیان؛ جمعیت بسیار زیاد زائران در قیاس با آیین‌های پیاده‌روی در ادیان دیگر، چند ملیتی و چند فرهنگی بودن میدان، ارائه خدمات رایگان در قالب خیر دینی وسیع در انواع مختلف و متنوع آن، اختلال در شبکه رادیویی و الکترونیکی، فشردگی بسیار زیاد، واقعیت مفهومی پیش رو با جمعیت بسیار زیاد، نقش پررنگ پرچم به‌عنوان نماد مهم عرب چه در جنگ و چه در صلح، انگیزش‌های دینی (تداوم سنت مورد اشاره در احادیث نقل شده به خصوص حدیث امام حسن عسگری (ع) و سنت اولیای دین)، نقش کمرنگ دولت عراق در مقابل نقش گروه‌های غیر دولتی عراق، نهادسازی آیین اربعین با ورود مستقیم نهادهای حاکمیتی ایران به بخش‌های مختلف آن، رسانه‌سازی آیین پیاده‌روی اربعین از سوی جمهوری اسلامی ایران، تنوع در تبلیغات گروه‌های مذهبی مختلف از منصور هاشمی خراسانی تا سید صادق شیرازی و پیوند ایرانی عراقی در خدمات‌دهی به زائران دشمنان دیروز و دوستان امروز از دیگر ویژگی‌های آیین پیاده‌روی اربعین است.

عباس در همین خصوص اظهار می‌کند: «الان در کشورهای مختلف برای امام حسین عزاداری می‌کنند. خیلی‌ها برای هم‌دردی با حسین به کربلا می‌آیند. اینکه گفته می‌شود

حب‌الحسین یجمعونا، بحث کاملاً کلیدی از نظر اجتماعی است. اربعین بیرق وحدت را بلند می‌کند. اگر حج مصادره شود، اربعین مصادر نمی‌شود». همچنین یکی از مأموران نیروی انتظامی می‌گوید: «عشق به امام حسین ما را به اینجا می‌کشاند. ایمان مردم ما را به اینجا می‌کشاند. الحمدا... مردم ما با ایمانند باید بیاییم و راه را برایشان هموار کنیم، خون حسین نباید پایمال شود، این راهپیمایی هر سال باید پر شورتر از پارسال باشد».

شکفتگی و شیفتگی زائران؛ در کتاب کامل‌الزیارات از اینکه ثواب زیارت امام حسین (ع) همچون زیارت عرش الهی محسوب می‌شود تا اینکه شهادت در این راه همچون فضیلت شهادت در میدان جهاد و نبرد را دارد؛ آمده است. این رویداد مذهبی به سرعت رو به فراگیری و مشارکت، امروزه وجوه مختلفی پیدا کرده است. هر گروه در آیین این آیین، خط و صورت تماشای خود را می‌بینند. دیندار و دوستداران عام امام حسین (ع) معمولاً عشق و دلدادگی و دلنوشته‌های ادبی و هنری و سفرنامه‌های مذهبی و پُست‌های مجازی را از این رویداد سوغات می‌برند. سازمان‌ها و ساختارها و مروجان و مبلغان هم بیشتر اهداف عقیدتی شیعی و سازمانی خود را در اینجا دنبال می‌کنند.

عباس می‌گوید: «شما در این مسیر چند قدم که بروی گریه می‌کنی، من چه کنم که اشکم جاری شود؟ این جاری شدن اشک ساده نیست. این چشمه‌های معنویت آدم است که جاری می‌شود و این آدم را متحول می‌کند. انسان در این مسیر چیزهایی می‌بیند که با هیچ زبانی قابل بیان نیست. بچه‌ای را می‌بینی که سه چهار ساله است، یا کسی که پا ندارد. روی دست‌هاش حرکت می‌کند. طرف فلج است اما در هیچ مسیری این‌طور نمی‌رود که الان می‌رود». عبدا... همچنین اظهار می‌کند: «اسمم لبیک یا حسین، من می‌گویم انسان‌ها اسم ندارند، اسم همه لبیک یا حسین است. امسال خیلی شلوغ‌تر بود. انگار نه انگار که گرانی مردم را اذیت کرده، انگار نه انگار که گرفتاری مردم بیشتر شده است. برای امام حسین همه چیز فراموش می‌شود».

تعلق هویتی و تقویت سرمایه اجتماعی؛ میزان شناخت و نحوه ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی تعامل آنها با یکدیگر است. اینکه ما دیگران را چگونه مورد فهم و ارزیابی قرار می‌دهیم نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط، دوری‌گزیدن و یا نفی و حتی حذف دیگران دارد. اصولاً انسان‌ها در قبال دیگران همان‌گونه رفتار می‌کنند که می‌اندیشند و متأثر از نقش ذهنیت و جهت‌گیری‌های ذهنی خود، چیزهایی را می‌بینند، که «باید» ببینند ترکیب شناخت‌ها (اعتقادات و باورها)، احساسات (هیجان‌ها و عواطف) و آمادگی برای عمل (تمایلات) نسبت به پدیده‌های معین و دیگران در چگونگی کنش و واکنش ما

تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. مردم ایران در تجربه طولانی زندگی جمعی خود دارای حافظه تاریخی مشترکی هستند که در آن افتخارات و رنج‌های مشترک، شکست‌ها و موفقیت‌های بزرگ، و به‌طور کلی یک جغرافیای تاریخی همیشه رقم خورده است. در این میان، نقش ادراکات و تصورات متقابلی که گروه‌ها از یکدیگر دارند، یکی از عواملی تعیین‌کننده در تقویت و یا تضعیف مبانی زمینه‌ها عینی و ذهنی همگرایی و همبستگی ملی می‌باشد (نظری، ۱۳۹۱). در مراسم پیاده‌روی اربعین افراد ضمن آنکه به گروه‌هایی خاصی تعلق دارند در عین حال با فرهنگ‌ها و ملت‌های مختلف دیگر آشنایی پیدا خواهند نمود.

سعید در این رابطه می‌گوید: «به نظرم هر کسی که یک بار برود، دیگر گرفتار می‌شود. البته از جنبه‌های مختلفی می‌توان آن را بررسی کرد. اگر منصف باشیم یکی از این جنبه‌ها این است که بلاخره اجتماع بزرگ مسلمین تأثیر دارد. ممکن است انسان را به هم‌رنگی بکشاند». عباس می‌گوید: «در پیاده‌روی اربعین آدم احساس می‌کند در کنگره جهان تشیع سهیم و شریک شده است». عبدا... می‌گوید: «راحت رفتم و راحت برگشتم، همه مردم هوایم را داشتند، طوری بود که حتماً سال دیگر باز هم برای زیارت امام حسین خواهم رفت».

تجربه رنج مقدس به‌عنوان مولد معنا؛ این پیاده‌روی یک تجربه دینی در مسیری است که زائر طی می‌کند و هدف آنان تک‌تک گام‌هایی است که آنان در این مسیر بر می‌دارند و لزوماً تنها هدف اصلی آنان زود رسیدن به حرم نیست چرا که می‌خواهند رنج شیرین سفر را تجربه کنند. در روایات بسیاری توصیه به زیارت اربعین شده و گفته شده هر قدم مؤمن در این زیارت ثواب‌های زیارتی دارد و سبب آمرزش گناهان می‌شود و منظور از قدم برداشتن در این مسیر قدم برداشتن‌های استعاری است. یعنی هر لحظه‌ای که در این مسیر زائران حرکت می‌کنند یا حضور دارند. اگر به تاریخچه پیاده‌روی زیارت دقت کنیم متوجه خواهیم شد که در گذشته عموم مردمی که بضاعت مالی نداشتند پیاده مسیر زیارتی را طی می‌کردند و بعضاً مردم به تبعیت از سنت روحانیون یا بزرگان خود این مسیر را پیاده طی می‌کردند حتی زمانی که وسیله نقلیه برای حمل و نقل اختراع شد چرا که تقدسی در این مسیر پیاده زیارتی به وجود می‌آمد و رنج سفر بسیار ارزشمند بود (پوریافر، ۱۳۹۶). این پیاده‌روی یک تجربه دینی در مسیری است که زائر طی می‌کند و هدف آنان تک‌تک گام‌هایی است که آنان در این مسیر بر می‌دارند و لزوماً تنها هدف اصلی آنان زود رسیدن به حرم نیست چرا که می‌خواهند رنج شیرین سفر را تجربه کنند.

عباس می‌گوید: «دخترم که دختر خانم کلاس اولی‌ای دارد، فکر کنم شش یا هفت بار رفته، شاید بیشتر، هفت هشت بار. خب فرزند دومی که سه ساله است او هم همین‌طور. یعنی همین‌طور که پیاده‌روی می‌کنند تا آنجایی که می‌توانند قدم می‌زنند و پایشان تاول هم می‌زند. اما اینها لذت می‌برند از این سفر معنوی».

همچنین نگار در همین رابطه می‌گوید: «من از مدرسه مرخصی گرفته‌ام و به اینجا آمده‌ام. مادرم به من گفت اگه دوست داری با ما بیا و من هم آمدم. عاشق امام حسینم، و از اینکه در راه او دارم کاری انجام می‌دهم، لذت می‌برم».

تقویت حس تعلق گروهی؛ راهپیمایی اربعین گویای آن است که مشترکات عام مهم به ویژه اگر این هدف، الهی و معنوی هم باشد وحدت‌آفرین است، انسجام و همبستگی می‌آفریند و جمع‌گرایی را به جای فردگرایی و عام‌گرایی را به جای خاص‌گرایی می‌نشانند. وقتی مسیر الهی است و در جهت آن قدم برداشته می‌شود دیگر تفاوت‌ها معنا ندارد و اختلافات و افتراقات رنگ می‌بازند (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۷).

عباس می‌گوید: «معمولاً این نوع سفرها یا زیارت‌ها را کمتر به تنهایی می‌روم. البته قبلاً به تنهایی هم رفتم. تنهایی رفتن فرصتی است که انسان بیشتر بیندیشد، اما بلاخره در کنار خانواده هم یک لطف و صفای دیگری دارد که از آن نمی‌تواند کمتر باشد». سعید چنین اظهار می‌کند: «خانواده یکی از محرک‌های من بوده است، مثلاً ممکن بود من بخوادم غفلت کنم، خانواده دست بردار نبود».

کنش عقلانی معطوف به ارزش؛ جامعه‌شناسان سکولار معتقدند بررسی و تحلیل مراسم اربعین در مباحث جامعه‌شناسی نمی‌گنجد، از این‌رو مراسم و تصاویر آن در رسانه‌های غربی و صهیونیستی بایکوت می‌شود و تلاش دارند رفتارها و کنش‌ها به دو دسته کنش‌های معطوف به هدف و کنش‌های هیجانی خلاصه کرده و می‌گویند هر چه هست در همین دنیاست، بنابراین کنش‌های معطوف به هدف انسان‌ها را مادی این جهانی تلقی می‌کنند، نه اهداف ماورائی (مریجی، ۱۳۹۸). این در حالیست که این دیدگاه که ریشه در تفکر الحادی نیچه دارد و به گمان او خدا مرده است، اما کنش اربعینی عاشقان سیدالشهدا علیه‌السلام در حقیقت خط بطلانی است بر رویکرد سکولاری که تکیه بر مبانی نیچه‌ای دارد؛ حرکت عظیم اربعین فریاد خدا زنده است را احیا می‌کند؛ این تمام فریاد مبانی تفکر سکولاریسم را زیر سؤال برد، در حالی که در پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک کنش، افراد کنشگر نه تنها به دنبال سود مادی نیستند بلکه تمام سرمایه مادی سالانه خود را در این همایش بزرگ هزینه می‌کنند. علاوه بر این، در این راهپیمایی عظیم

احتمال خطر جانی برای زائران حسینی نیز وجود دارد و لذا با عقلانیت ابزاری که به دنبال انتخاب بهترین وسیله برای دستیابی به هدف مادی است، نمی‌توان به تحلیل این واقعه عظیم پرداخت.

عباس می‌گوید: «جنبه تربیتی فرزندان و نوه‌ها در این سفر کار هزار ساله‌ای را می‌کند. با یک حرکت، با یک نمایش با ورود عملی یک بچه سه ساله یا پنج یا ده ساله این خاطره در ذهنش حک می‌شود. این معنویت منتقل می‌شود. در واقع اثر وضعی دارد. با توجه به این اعتقادی که به این تأثیر معنوی و وضعی بر شرایط روحی و جسمی افراد دارد، سفر اربعین را توصیه می‌کنم».

تجدید منظم احساسات و آرمان‌های جمعی؛ همواره این باور وجود داشته است که تلاش جمعی نیازمند شکل‌گیری هویت جمعی و زمینه‌های زایش احساسات است. به باور دورکیم «هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که لازم نداند در فواصل منظم زمانی، احساسات و آرمان‌های جمعی را به علامت حفظ آنها و تصدیق دوباره آنها به نمایش بگذارد؛ زیرا این‌ها هستند که عناصر سازنده وحدت و شخصیت یک جامعه را تشکیل می‌دهند. جامعه ضمناً می‌داند که این بازسازی معنوی و اخلاقی امکان ندارد، جز به وسیله گردهمایی‌های مکرر و بر پا کردن تجمعات و جلساتی که در آنها افراد به اتفاق به تأکید مجدد بر احساسات جمعی خویش بپردازند». در راهپیمایی بزرگ اربعین احساس همبستگی میان حاضران در قوام و تثبیت همبستگی دینداران، تأثیر به‌سزایی دارد. تبدیل اربعین به مناسکی جهانی با فراگیر شدن این رویداد به کشورهای منطقه و نیز حضور غیر مسلمانان در این همایش عظیم، ابعاد تازه‌ای به این مناسک می‌بخشد؛ چنین آیینی زمان و مکان و فضا را در هم پیوند می‌زند و رفتار جمعی با تقسیم کار میان میهمانان و میزبانان و نیز احساس مشترک و عینیت آن برای انجام مناسک عبادی مشترک و نمادین، حس نیرومند تعلق گروهی را میان آنها ایجاد و تثبیت می‌کند. اگر چه اغلب حاضران را باورمندان به مکتب شیعی و وفاداران به اسلام انقلابی تشکیل می‌دهند اما اکنون دایره چنین همایشی به اهل سنت و حتی غیر مسلمانان نیز ارتقا یافته است و نوعی همبستگی بزرگ معنویت خواهان و آزادی طلبان را رقم زده است. چنین همایشی که ابعاد سیاسی غیر قابل انکاری دارد بر بستر مناسک دینی بزرگداشت قیام سالار شهیدان صورت می‌گیرد و به نوعی جهانی شدن پیام انقلاب اسلامی که آن نیز بر پایه مناسک دینی عاشورا رقم می‌خورد به ثبوت می‌رساند. در مناسک عاشورایی زمان و مکان و افراد به نمادهای خاص و با اشعار و سروده‌ها و نیز حضور در حسینیه‌ها و مساجد، یاد قیام سالار شهیدان (ع) را گرمی داشتند.

مروری بر تحولات انقلاب اسلامی از قیام ۱۵ خرداد گرفته تا راهپیمایی عظیم عاشورای سال ۵۷ اهمیت استقرار انقلاب اسلامی بر پایه مناسک عاشورایی را نشان می‌دهد از این جهت گفتمان اسلام انقلابی شیعی محور در همایش بزرگ اربعین سرچشمه جریان‌ها و خیزش‌هایی است که در موفقیت محور مقاومت بر جریان معارض با فرهنگ عاشورا یعنی جریان سلفی تروریستی تأثیر و کارایی خود را نشان داده است (شیرعلی، ۱۳۹۷).

عباس می‌گوید: «ایام اربعین تقریباً قبل از اینکه ساماندهی شود، ما یا برای روز عاشورا می‌رفتیم یا ایام اربعین. دقیقاً حضور ذهن ندارم. ولی اربعین اصلش از این زمان شروع می‌شود، بعد از شهادت امام حسین و یارانش و اسارت اهل بیتش و چهل روز بعد از شهادت، حضرت زینب چهل روز بعد در مسیر برگشت به کربلا آمدند و از آن طرف جابرین عبدالله اتصاری از مدینه آمد. حرکت جابر توسط ائمه تأیید شد و به صورت سنت درآمد. اصلاً انگار پیاده‌روی اربعین طراحی شده است. اگر این اربعین نبود، شاید واقعه کربلا از تاریخ پاک میشد. بلافاصله بعد از اولین اربعین، اربعین‌های بعدی توسط شیعیان شکل گرفت».

استراتژی‌ها یا عمل - تعامل‌ها کنشگران جهت کم‌کردن چالش‌ها و تهدیدهای پیش روی

مهم‌ترین استراتژی‌ها یا عمل - تعامل مشارکت‌کنندگان در رابطه با پدیده پیاده‌روی اربعین قابل تقسیم‌بندی به چهار دسته عمل - تعامل است که عناصر تشکیل‌دهنده نظام معنایی آن‌ها در رابطه با این پدیده محسوب می‌گردد.

مراقبت؛ سفر زیارتی اربعین و بازگشت از آن می‌تواند نقطه عطف و آغازی مجدد در زندگی پاک و دور از گناه برای انسان باشد، در واقع احساس رضایت از عشق به امام حسین، تغییرات مثبت در زندگی در روایت عاشقانه این افراد دلیل هر فعالیت خیر و خداپسندانه‌ای امام حسین است.

عباس در این مورد می‌گوید: «ما باید سعی کنیم قبل از رفتن از حق‌الناس خودمان را مبرا کنیم. بنابراین اگر این‌طور به زیارت برویم پاک پاک می‌شویم اما حفظ آن سخت است. ما هنوز نرسیده شروع می‌کنیم به غیبت کردن، به حق‌الناس ایجاد کردن یا گناهان دیگر. باید چه کار بکنیم که این اتفاق نیفتد؟ خب دستورالعمل‌هایی در قرآن و روایات وجود دارد. ما باید تلاش کنیم حواسمان به زبان و اعمال و رفتارمان باشد که ان‌شالله این

باقی بماند. ما الان داریم بهشت خود را می‌سازیم. مگر اینکه با گناه از بین برود. در حد وسط بیم و امید حرکت کردن، بستر این مراقبت فراهم می‌شود. یعنی از بخشش خداوند نه مأیوس باشیم و نه اینکه بیش از حد امیدوار باشیم». همچنین نگار می‌گوید: «عشق به حسین و این معرفت باعث می‌شود تلاش کنم نمازم را ترک نکنم». در روایت عاشقانه از امام حسین، فرد مؤمن از احساس و عاطفه شدیدی در درون خود سخن می‌گوید که معتقد است هر کس خودش باید تجربه کند و توصیف‌ناپذیر است.

انس با زیارت‌ها و ادعیه مرتبط با ارزش زیارت امام حسین (ع): مشارکت‌کنندگان بر این باورند پیاده‌روی اربعین و زیارت امام حسین (ع) یکی از پرفضیلت‌ترین اعمال دینی است. هر مسلمانی تلاش می‌کند تا این فضیلت را کسب کند. حسین از اساتید دانشگاه که خود پیاده به زیارت مرقد مطهر امام حسین (ع) رفته و بازگشته در این باره می‌گوید: «دعا خواندن توی مسیر و ذکر گفتن خیلی در این مسیر ارزش دارد. خیلی هم اثر تربیتی دارد و انسان را متأثر می‌کند. توی این فضا که بیاییم، از خواندن دعا و ذکر غافل نشویم».

یکی از بهترین اعمالی که در مسیر پیاده‌روی اربعین از نظر مشارکت‌کنندگان بر آن تأکید می‌شده است، گفتن ذکر است. خواندن ادعیه، گفتن ذکر و خواندن زیارت‌هایی که در مفاتیح‌الجنان آمده از جمله اعمالی است که زائران در مسیر پیاده‌روی به آن می‌پردازند. زیارت عاشورا، ذکر استغفار، فرستادن صلوات و گفتن «لا حول و لا قوه الا بالله» در روز عاشورا ذکر امام حسین (ع) بود که زائران حسینی نیز در مسیر پیاده‌روی اربعین می‌توانند بگویند».

یکی از مشارکت‌کنندگان دیگر نیز در این باره تجربه خود را چنین بیان می‌کند: «اینجا و در طول مسیر فرصت خودسازی زیادی از طریق ذکر گفتن و دعا خواندن مهیاست. انسان از جهان مادی و قیل و قالش فاصله می‌گیرد و مشغول خودسازی میشه. می‌خواد خودش رو بسازه که توشه آخرتش بشه. حال و هوای مسیر و ارادتی که به مقام حضرت امام حسین (ع) در آم شکل می‌گیره زمینه رو برای این تأثیرپذیری مهیا می‌کنه». *تلقی مرگ به مثابه شهادت در این مسیر:* مشارکت‌کنندگان بر این باورند یکی از

مفاهیم ناب و مقدس در دین اسلام و مذهب شیعه، مفهوم «شهادت» است. مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گویند: «شهادت‌طلبی بخش مهمی از میراث ماست، چیزی که باعث میشه ما ذلت نداشته باشیم باعث میشه ما اقتداری را تعریف کنیم که بر اساس سلاح نیست بلکه بر اساس ایمانه. جانفشانی حضرت علی (ع) در «لیل‌المبیت»،

سرآغاز و نقطه عطف فرهنگ شهادت‌طلبی در تاریخ اسلام و تشیع می‌باشد. ایثار و شهادت همواره در کنار جهاد (با نفس درونی و دشمنان بیرونی) معنا می‌گیرند». از جمله رموز پیروزی رزمندگان در صدر اسلام تا انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ایثار تا سرحد فدا کردن جان در راه اعتلای آئین و اهداف و آرمان‌های متعالی بوده و هست. جامعه ایرانی که چهره‌ای ارزش‌مدار و قهرمان‌گرا را از خود برجای گذاشته است با تمسک به مذهب پرافتخار شیعه و بهره‌گیری از عوامل بنیانی و سامان‌دهنده هویت ایرانی، در پرتو شهادت، و تحقق شعار پیروزی خون بر شمشیر، انقلاب خود را به پیروزی رساند. در بُره‌های دیگر، با مفهوم‌سازی فرهنگ شهادت‌طلبی، از تنگنای پر از خطر جنگ تحمیلی به سلامت و پیروزی بیرون آمد و دوره طلایی دفاع مقدس را برای همیشه بر تارک تاریخ این مرز و بوم به یادگار نهاد».

ادراک امر قدسی و غیبی: این مقوله ناظر بر آن بعد از تجربیات مشارکت‌کنندگان است که در آن برای توضیح و تبیین بسیاری از کنش‌های مرتبط با حضور و مشارکت در زیارت اربعین از اشاره به عالم وحی و غیب سخن گفته می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان با تأکید بر اینکه حال و هوای اربعین در قالب کلمات نمی‌گنجد بیان کرد: «زیبایی‌های مسیر پیاده‌روی اربعینیان از ایران به کربلا را هیچ دوربین و قلمی نمی‌تواند نشان دقیق دهد، همه آنجا لقمه‌شان را سر راه می‌آورند و در دهان یک مسلمان می‌گذارند تا تو از عشق و ارادت به اهل بیت لبریز شوی. در این مسیر از هر غذا و نوشیدنی که فکرش را کنی برایت فراهم بوده و قدم به قدمش موبکی برپا شده برای استراحت زائران تا خستگی».

پیامدهای سیاسی - اجتماعی پیاده‌روی اربعین

افزایش ظرفیت‌های معنوی افراد و شکوفایی آن‌ها: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پیاده‌روی اربعین آن است که افراد پس از آنکه در این موسم شرکت کردند، از هر قشر و با هر سطح سواد که باشند احساس تغییر و دگرگونی در روحیه و اخلاق می‌کنند، بسیار هستند کسانی که می‌گویند بعد از اربعین، گویی دنیا برایشان جز دوستی و مودت با همنوع معنایی ندارد و در نتیجه می‌کوشند این دستاورد از مکتب اباعبدالله‌الحسین (ع) را در طول ایام سال حفظ کنند. در واقع می‌توان گفت پیاده‌روی اربعین، عرصه‌ای است تا ارزش‌های کمرنگ شده یا فراموش شده احیا شوند و قطعاً ذیل حیات دوباره این ارزش‌های فرهنگی و معنوی است که تمدن اسلامی جان می‌گیرد.

در همین خصوص یکی از مشارکت‌کنندگان بر این باور است: «پیاده‌روی اربعین را می‌توان به‌عنوان جلوه تمدن اسلامی دانست به‌ویژه که مقام معظم رهبری در سخنان خود به این مهم اشاره داشتند و تأکید کردند اگر کشورهای اسلامی ظرفیت و توانایی‌های خود را با یکدیگر مجتمع کنند آن تمدن عظیم اسلامی به جوامع عالم نشان داده می‌شود».

یکی از بهترین زمینه‌های تمدن‌سازی امروز در جهان اسلام را می‌توان در پیاده‌روی اربعین دید، اگر بخواهیم نگاهی کوتاه و گذرا به واقعه تاریخی و سالیانه پیاده‌روی اربعین داشته باشیم می‌توانیم عناصر مهم تمدنی را در آن مشاهده کنیم، به‌طور خلاصه عناصر تمدنی در فرهنگ اسلامی می‌تواند شامل قانون‌مداری، عقلانیت، همزیستی مسالمت‌آمیز، مهر و محبت، ایثار باشد که در این تمدن برجسته است و این عناصر در پیاده‌روی اربعین مشاهده می‌شود. اساساً در سایه این ویژگی‌ها است که انسان در فرهنگ اسلامی به کمالات می‌رسد، در تمدن اسلامی توسعه و پیشرفت بدون کمالات انسانی معنا نمی‌دهد بر خلاف تمدن غرب که صرفاً تأکید بر ابزار و تکنیک‌های مادی است. تمدن اسلامی انسان را در بعد مادی و معنوی تعریف کرده است. بنابراین با توجه به اینکه این تمدن تک‌بعدی نبوده و به کمالات انسانی توجه می‌کند و این مهم در شرایط مختلف همچون یک رعایت می‌شود، شاهد هستیم که از ادیان مختلف در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنند چرا که حال و هوای این موسم حسینی در واقع مطابقت با انسانیت و فطرت دارد. مرکز قدسی این مراسم امام حسین (ع) است و از این جهت خیل عظیم مشتاقان و زائران اباعبدالله‌الحسین (ع) از نقاط مختلف دنیا در زمان و مکانی مشخص گرد هم می‌آیند تا لبیک به ندای هل من ناصر ینصرنی حضرت در این عصر و زمانه بدهند.

به‌عبارت دیگر مشارکت و یاری‌رسانی بدون چشم داشت مهم‌ترین مسأله است. فکر می‌کنم فرهنگ جامعه ارتقا می‌یابد اگر روحیه کمک به هم نوع بدون چشم‌داشت را گسترش دهیم، این همان رویکردی است که در جریان پیاده‌روی اربعین نه تنها از سوی میزبان که در میان مردم شاهد هستیم. این فرهنگ و تمدن اسلامی است که به دلایل مختلف سال‌ها کمرنگ شده بود اما در این موسم حسینی به بهترین شکل جلوه یافت.

افزایش وحدت مسلمانان: پیاده‌روی زائران اربعین تجلی وحدت و اجتماع بزرگ مسلمانان شیعه و سنی است. مشارکت‌کنندگان بر این اعتقادند: شخصیت امام حسین (ع) یک شخصیت مذهبی، تاریخ‌ساز و با حرکت مقدس خود اسلام را زنده و در مسیر حقیقی خود قرار داد. از نظر آنان پیاده‌روی اربعین نشانه استواری، استقامت ارادت و عشق دلدادگان به امام حسین (ع) است.

یکی از اساتید دانشگاه که تجربه پیاده‌روی اربعین را دارد بیان کرد: "راهپیمایی اربعین حسینی یک نوع رژه معنوی و نمایش مذهبی مسلمانان تمام دنیاست. وی گفت: تمامی دشمنان بدانند که پیروان پیامبر اسلام و یاران باوفایش زنده هستند و برای مقدسات و اهل بیت (ع) خود احترام قایل هستند. او با بیان اینکه اربعین موجب وحدت، همدلی و همبستگی و قدرت مسلمانان می‌شود، تصریح کرد: اجتماع اربعین پیامی بزرگی برای جامعه بشریت دارد و باید دشمنان نظام بدانند که اتحاد مردم ایران گسستگی نیست و هیچ قدرتی توان نفوذ در صفوف محکم آن را ندارد".

در پیاده‌روی عظیم اربعین زائران حسینی از کشورهای مختلف جهان با تفکرات و مذاهب مختلف حضور می‌یابند که حاکی از عشق و محبت جهانیان به حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) است. دشمنان اسلام از اجتماع بزرگ اربعین حسینی به شدت در هراس هستند، اجتماع عظیم اربعین توطئه‌ها و نقشه‌های شوم دشمنان در جهت ایجاد اختلاف و تفرقه در بین مسلمانان را خنثی می‌کند.

فرصت جامعه‌پذیری جوانان و نوجوانان: جامعه‌پذیری را به معنای همسازی و همنوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی اجتماعی تعریف کرد. به مفهوم دیگر، اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن، هر فرد، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها، فرد را قادر می‌سازد که با گروه‌ها و افراد جامعه، روابط و کنش‌های متقابل داشته باشد. فراگرد اجتماعی شدن، امری مستمر و به اعتباری مادام‌العمر است. لذا عشق به امام از کودکی تحت تأثیر مادر و خانواده، حضور در مجالس عزاداری، بانی روضه بودن، تأثیر فضای روضه‌ها در بیداری افراد، تأثیر محرم و صفر در نزدیک شدن به اهل بیت، حضور در روضه‌ها مقدمه سفر اربعین نوعی تبیین کننده روند جامعه‌پذیری محبت نسبت به امام حسین است. طبق نظریه جامعه‌پذیری ویدمن و آستین سازه چند بعدی، سیال، مرحله‌ای و تکامل‌یابنده از دل طیف گسترده‌ای از پژوهش‌ها درباره فرایندهایی پدید آمده است که به واسطه آن افراد ارزش‌ها، مهارت‌ها و دانش ضمنی را از اجتماع کسب می‌کنند (مهدیه و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸).

یکی از مبلغان مذهبی که جوان است می‌گوید: «زیارت اباعبدالله (علیه‌السلام) در زندگی زائران و آینده آنان تأثیرگذار است و فقط صرف زیارت و پرداختن به عبادت در چند روز مطرح نیست و این حرکت نقش سازنده‌ای در زندگی مردم دارد. وی اعزام مبلغان حوزه علمیه خراسان در اربعین حسینی را فعالیتی تبیین‌کننده معرفی کرد و گفت: هدف

ما مبلغان از حضور در اربعین حسینی تبیین ابعاد معنوی زیارت ائمه هدی (علیه‌السلام) و ارتقاء سطح کیفی پیاده‌روی اربعین حسینی همراه با تشریح آموزه‌های دین مبین اسلام در حوزه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و انقلابی است.»

مبلغ اعزامی حوزه علمیه خراسان به اربعین حسینی که در موكب امام رضا (علیه‌السلام) در نجف اشرف مستقر بوده است با اشاره به حضور رده‌های سنی مختلف در پیاده‌روی اربعین حسینی ابراز کرد: «مخاطب جوان بیشترین سهم را در اربعین حسینی دارد و بر همین اساس بیشتر مخاطبین برنامه‌های تبلیغی ما را نیز همین عزیزان تشکیل می‌دهند. وی می‌گوید: «اظهار کرد: مبلغان دینی همیشه باید در کنار مردم علی‌الخصوص جوانان حضور داشته باشند و به سؤالات اخلاقی، اعتقادی و فرهنگی آن‌ها پاسخگویی کنند اما این حضور در ایام خاص و مناسبت‌های دینی از جمله اربعین حسینی باید حداکثری باشد.»

نتیجه‌گیری

پیاده‌روی اربعین به‌عنوان حرکتی نامیرا و نوشونده نمایانگر یک زیست اجتماعی قوام یافته از نژادها و زبان‌ها و قومیت‌ها در یک سرزمین است. تخیل خلاق جامعه‌شناسانه را در مطالعه پدیده «زیارت» بکار بگیریم، باید زیارت را نه تنها مرتبط با زائران، بلکه در شبکه وسیعی از روابط اجتماعی انسان‌هایی که به زیارت باور دارند، مورد مطالعه قرار دهیم. در این پژوهش از روش نظریه داده بنیاد در جهت کشف مقولات مرتبط با تجربه مشارکت‌کنندگان در همایش پیاده‌روی اربعین استفاده شد و تلاش شد تا زمینه‌های شکل‌گیری یک تئوری محدود به واقعیت مرتبط با این موضوع فراهم شود. مفاهیم مربوط به مرحله‌ی کدگذاری باز در مرحله‌ی کدگذاری محوری، در قالب پانزده مقوله عمده کدگذاری و در مرحله کدگذاری گزینشی به استخراج مقوله هسته «پیاده‌روی اربعین نمود زیست‌جهان رقیب مدرنیته و ساخت دوباره خود» منجر شد که مقوله مرکزی این پژوهش به شمار می‌آید. در واقع مشارکت‌کنندگان، پیاده‌روی اربعین را به مثابه یک فرصت برای خودسازی درک می‌کنند که قابل توضیح با نظام تناسب اهداف و وسایل در چارچوب متداول عقلانیت ابزاری نیست. در جریان این پیاده‌روی با ادعیه و ذکر سعی بر پالایش خود دارند و معتقدند ملت ایران و عراق می‌توانند از این فرصت برای خودسازی معنوی استفاده کنند. کدگذاری یافته‌های مصاحبه نشان داد که «معنا» یکی از با اهمیت‌ترین نیازهای زندگی انسان است که دین برای او فراهم می‌آورد؛ چرا که دین - برخلاف علم که

پاره پاره و ناقص است - با سامان‌مند و هدف‌دار نشان دادن زندگی، آن را برای انسان‌ها معنا دار می‌سازد و مناسک دین بستری هستند برای بر ساخت و بازتولید این معنا؛ به این ترتیب که فرد مؤمن در بستر مناسک به باورها و عقایدی که از دین دریافت کرده است عمل می‌کند. در جریان ارتباط میان باور و عمل دینی افراد فرایندی از معنابخشی صورت می‌گیرد؛ معنابخشی که تحت تأثیر تجربه دینی افراد در بستر مناسک امکان ظهور و بروز بیشتری می‌یابد و زیارت به‌عنوان یکی از مناسک مهم در ادیان مختلف از جمله تشیع، مصداق بارز این موضوع است.

در روایت این افراد «احساس وظیفه داشتن» از دال‌های محوری و برجسته‌ترین معانیست؛ چنانچه آن را علت و انگیزه اصلی سفر می‌دانند. انگیزه‌ای که ناشی از اهمیت دادن به وجه سیاسی و ایدئولوژیک حضور در مسیر پیاده‌روی اربعین است. معنابخشی این زائران به مناسک اربعین از زاویه دید تلاش برای آمادگی و انجام مسئولیت در قبال برقراری حکومت جهانی و «آرمانی مهدوی» است که در باور این افراد با ظهور امام زمان تحقق خواهد یافت؛ حکومتی که قرار است به مشکلات، بحران‌ها و کاستی‌های جامعه بشری پایان دهد و جامعه‌ای آرمانی را به ارمغان آورد. این یافته بر اساس دیدگاه «استارک و بین بریج» که در آن «دین» به‌عنوان عامل «جبران» مطرح شده، قابل تبیین است؛ دیدگاهی که می‌گوید هر گاه انسان نتواند خودش آرزوهایش را برآورده کند، سعی می‌کند عامل جبران‌کننده فراطبیعی - مثل دین - پیدا کند که قادر باشد آرزوهایش را برآورده کند (همیلتون، ۱۳۸۷). در واقع گفتمان «مهدویت و ظهور» به واسطه وعده‌ای مطرح شده است که مذهب تشیع به پیروانش می‌دهد؛ معنایی امیدبخش که همه افراد را در یک باور و احساس لاهوتی به شکل واحد همذات می‌سازد؛ این معنای امیدبخش باعث ایجاد وحدت، همبستگی و انسجام جامعه دینی شیعه می‌شود. از این رو مراسم اربعین بستری است که منجر به بیداری بیشتر افکار و احساسات مهدوی و وعده نزدیک بودن امر ظهور می‌شود؛ در واقع در این فضای مناسکی ایمان فرد به آمدن امام زمان به‌عنوان منجی آخرالزمان دوباره در بین گروه و جماعت مؤمنین یادآوری می‌شود؛ چرا که ایمان مشترک کاملاً به‌طور طبیعی در قلب این گروه تشکیل شده و دوباره تقویت می‌شود، بر تمام تردیدهای شخصی که در اذهان فردی ظاهر می‌شوند غلبه خواهد کرد. افراد مطمئن‌تر هستند بخاطر اینکه احساس می‌کنند که قوی‌تر هستند و واقعاً "قویتر هستند زیرا نیروهایی که از توان افتاده بودند دوباره در آگاهی‌ها زنده می‌شوند (دورکیم، ۱۳۸۳:۴۸۲).

طبق صحبت‌های مشارکت کنندگان، نقطه اتصال و وابستگی درونی بیشتر زائران به عاشورا و امام حسین (ع) غالباً بر اساس همین جذبه و عشقی است که با مداومت و آگاهانه، درونی شده است؛ آگاهی شخص مذهبی به امر متعالی به‌عنوان غیر خودش (گیسلر، ۱۳۷۵:۴۱). اما چنانچه دورکیم هم بیان کرده است؛ فکر در واقع چیزی جز عنصری از خود ما نیست پس چنین عنصری چگونه می‌تواند قدرتی به ما بدهد که برتر از قدرت‌هایی باشد که ریشه آنها در طبیعت ماست؟ ... از اینکه ما چیزی را شایسته دوست داشتن و مطلوب برای خودمان تصور می‌کنیم نتیجه نمی‌شود که ما به صرف این تصور خود را نیرومندتر حس کنیم؛ برای این کار لازم است که از این چیز نیروهایی برتر از آنهایی که در خود ما وجود دارند ساطع شود و از این بالاتر، ما نیز وسایلی داشته باشیم که آن نیروهای ساطع شده را به درون خود ببریم و با حیات درونی‌مان سازگار نماییم؛ و معلوم است که برای رسیدن به این مقصود فقط اندیشیدن به این نیروها کافی نیست بلکه ضرورت حتمی دارد که ما خود را در سپهر عمل آنها قرار دهیم و در جهتی بپریم که در آن جهت تأثیر آنها را بهتر می‌توانیم حس کنیم؛ در یک کلام لازم است که ما عمل کنیم. از اینرو زائری که در وجودش عشق، اتصال و وابستگی به امام حسین را باور دارد، در جهت عمل و عینیت بخشیدن به باور خود بر می‌آید و لذا در درونش اشتیاق به زیارت پیدا خواهد شد؛ چرا که مؤمن در مسیر زیارت به دنبال آنست که آنچه در درون و فکرت خویش از عشق به امام حسین (ع) یافته است با عمل و سعی خود نمایان سازد. با توجه به یافته‌های بدست آمده پیشنهاد می‌شود الگوی جامع دینداری (در همه ابعاد اعتقادی، پیامدی، مناسکی، احساسی و فکری) توانمندی نظری و تجربی خود را در این پژوهش و پژوهش‌های پیشین به منصفه ظهور رسانیده است و از آنجا که اسلام‌شناسان (از جمله علامه محمدتقی جعفری) نیز آن را بهترین الگوی بررسی دینداری برشمرده‌اند، لازم به نظر می‌رسد که محققان و دانشجویان، کاربرد این الگو را در پیمایش‌های ملی و سایر تحقیقات مربوط در ایران، وسعت بخشند.

پیشنهادات پژوهش

همچنین به جهت همگنی میان جامعه آماری مورد مقایسه و ناکارایی مطالعه فضای فرهنگی قبل از انقلاب اسلامی با انجام یک پژوهش پیمایشی، در تحقیق حاضر، مقایسه این دو مقطع از طریق تحلیل محتوای متون به جا مانده (روزنامه‌ها) به انجام رسید. به‌طور مشخص پیشنهاد می‌شود الگو و مقیاس بکار گرفته شده در این پژوهش، از طریق

پیمایش‌های افکار عمومی و نگرش‌سنجی به‌طور ادواری و مستمر تکرار شود و نتایج حاصل به لحاظ فهم علمی از فرهنگ عمومی کشور و روند تغییرات فرهنگی، با یکدیگر نیز مقایسه شوند. از همه مهم‌تر آنکه در این مطالعه، رابطه انسان با زمان در نظام جهت‌گیری‌های ارزشی بعد از انقلاب اسلامی، تعیین خاصی نیافت. به‌عبارت دیگر؛ نظام ارزشی ما نه صرفاً بر زمان گذشته تأکید دارد و نه صرفاً بر زمان آینده یا حال تأکید می‌ورزد؛ یعنی نه گذشته‌گراست و نه آینده‌گرا. لذا مقوله ترکیبی جدیدی با نام «تأکید بر زمان حال، گذشته و آینده توأم» به وجود آید و از این حیث، رابطه انسان با زمان در نظام جهت‌گیری‌های ارزشی بعد از انقلاب، دوباره بررسی و دقیق‌تر بازبینی شود. و در نهایت به نظر می‌رسد «فلسفه مناسبات اجتماعی» در تبیین شرایط بومی ایران و ملل و نحل مسلمان، باید پایه اساسی تحلیل خود را بر تبیین رابطه میان خدا، سرشت انسانی و روابط جمعی سلسله‌مراتبی و موازی با سایرین قرار داده، نحوه تولید، بازتولید و باز آفرینی هر یک را در دیگری روشن کند؛ به‌طوری که بتوان در قالب نظریه‌ای جامع، آرایه‌ها و ترکیبات هر رابطه را با رابطه دیگر و بدل آفرینی آنها را در قالب یک یا چندین الگوی فرهنگی گویا، تبیین کرد.

فهرست منابع:

- آسابرگر، آرتور (۱۳۸۰). روایت در فرهنگ عامه، رسانه و زندگی روزمره، ترجمه محمدرضا لیراوی، نشر سروش.
- اتو، رودلف (۱۳۸۰). مفهوم امر قدسی؛ پژوهشی درباره عامل غیر عقلانی مفهوم الوهیت و نسبت آن به عامل عقلانی، ترجمه همایون همتی، تهران: نقش جهان.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۲). الغدیر، ترجمه محمدتقی واحدی، جلد ۵، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی.
- برگر، پیتر و توماس لاکمن (۱۳۸۷). ساخت اجتماعی واقعیت؛ رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- باقری، شهلا (۱۳۹۸). درآمد، مروری بر کارنامه سی ساله نظام جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات نخستین همایش علمی درآمدی بر کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران)، جلد ۲.
- پویافر، محمدرضا (۱۳۹۶). خیر در اربعین، خبرگزاری رضوی، کد خبر ۲۱۹۶۸.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده انقلاب اسلامی.
- جمشیدی‌ها، غلرضا (۱۳۸۶). "تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا"، مجله تاریخ اسلام، شماره ۳۰.
- چنگی آشتیانی، مریم (۱۳۸۸). بررسی جامعه‌شناختی کارکرد معنابخشی دین در آثار محمدحسین طباطبایی.
- خبرگزاری صدا و سیما (۱۳۹۷). بررسی راهپیمایی عظیم اربعین از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، کد خبر ۲۲۶۴۹۹۹.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
- سلطانی، علی (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی پیاده‌روی اربعین حسینی، خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر ۸۳۵۱۹۴۱۲.
- شریعتی، سارا و آرمان ذاکری (۱۳۹۴). موقعیت دین در جامعه ایران: قدسی تقدس‌زدایی شده، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، ناشر: شورای اجتماعی کشور، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- صفیئی، کامبیز (۱۳۸۸). "کاربرد تحلیل ساختاری روایت: تحلیل روایی نمایشنامه بانوی سالخورده، اثر فردریش دونمارت با تکیه بر دیدگاه رولان بارت"، فصلنامه ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۱.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی. چاپ اول، تهران: نشر نی.
- کاشی، شیما (۱۳۹۴). الگوهای زیارتی جوانان، مطالعه موردی دو الگوی زیارتی در مشهد اردهال، خلاصه پایان‌نامه‌های همایش ملی مطالعات اجتماعی دین، انجمن جامعه‌شناسی ایران و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- گیسلر، نورمن ال. (۱۳۷۵). فلسفه دین، ترجمه حمیدرضا آیت‌اللهی، تهران: حکمت.
- مریجی، شمس‌الله (۱۳۹۸). رابطه میان جامعه‌شناسی و زیارت اربعین، خبرگزاری شبستان، کد خبر ۸۳۹۹۷۹.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، تهران: پژوهشکده انقلاب اسلامی.
- مهدیه، عارفه؛ همتی، رضا و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۹۵). "فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری؛ مورد دانشگاه اصفهان"، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲، شماره ۱.
- نجفی، موسی (۱۳۹۸). ظرفیت‌سازی تمدنی در راهپیمایی اربعین، ۲۰ مهر، ۱۵:۳۶، کد: ۱۸۶۹۳، اخبار اساتید پژوهشگاه، www.ihcs.ac.ir/fa/news.
- نش، کیت (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- نظریه‌های جامعه‌شناختی در دین/ وضعیت دین در دنیای مدرن چگونه است؟ (۱۳۹۵). www.mehrnews.com/news/3785232.
- نظری، علی اشرف (۱۳۹۱). احساس تعلق هویتی و نقش آن در شکل‌گیری تصورات قلبی در پیشداوری ارزیابی پیمایشی، همیلتون، ملکم (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.
- یوسفی، علی و همکاران (۱۳۹۱). "پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا (ع)"، مجله مطالعات اجتماعی، دوره ۶.

Eller, J. D. (2007). *Introducing Anthropology of Religion*, London: Routledge.

Fariba, A. (2009). "Moral Economy of Pilgrimage and Civil Society in Iran: Religious", Commercial and Tourist Trips to Damascus 1, *South African Historical Journal*, 61:1, 38-53.

Jansen, W. & Meike K. (2008). "Shared Symbols: Muslims, Marian Pilgrimages and Gender", *European Journal of Women's Studies*, 15 (3): 295-311.

John, E. and M. H. Sallnow (1991). *Contesting the sacred, the Anthropology of Christian pilgrimage*, Routledge.

Moen, T. (2009). "Reflection on the Narrative Research Approach", in: *Life Story Research*, vol 1, Edited By: Barbara Herrison, SAGE Publication, First printed: pp. 291-308

Morinis, A. (1992). Introduction: The Territory of the Anthropology of Pilgrimage, in Morinis, A. (ed.) *Sacred Journeys: The Anthropology of Pilgrimage*, Westport: Greenwood Press.

Norman, A. (2004). *Spiritual tourism: Religion and Spirituality in Contemporary Travel*, from <http://ses.library.usyd.edu.au/bitstream/2123/6150/1/THESIS%20-%20Final.pdf> (6.1.2012).

Turner, V. (1974). *Dramas, Fields, and Metaphors: Symbolic Action in Human Society*, Ithaca: Cornell University Press.

Weber, M. (1922/1993). *The Sociology of Religion*, English translation by Ephraim Fischoff, Washington: Beacon Press.

Investigating the Potential and Foundations of Pilgrimage Rituals Based on the Understanding of the Semantic System of the Participants in the Arbaeen Walk

Karim Rezadoost (Ph.D)¹, Marziyeh shahryari (Ph.D)²

DOI: 10.22055/qjsd.2022.38949.2529

Abstract:

Arbaeen walk is a multi-dimensional social phenomenon, which in Iranian social constructions has dimensions such as politics, identity, interaction or confrontation of identities, environment and social harms. Therefore, this study is a type of qualitative research that was conducted using the foundational data theory method to understand the semantic system of the pilgrims who participated in the walk. For this purpose, data was collected by purposeful sampling method and using semi-structured interview method and 21 pilgrims were investigated in the research field including the border region of Chazaba until reaching theoretical saturation. In order to obtain the factors, data analysis was done using the systematic procedures of Corbin and Corbin, which includes coding concepts and shaping the theory. Data analysis in open coding led to the identification of main factors, components and sub-components. Scrutiny in the findings of the interview indicates that the central category of the research is "the Arbaeen walk is a manifestation of the life of the world competing with modernity and the loss of subjectivism". Based on the findings of the research, the participants perceive the Arbaeen walk as an opportunity for self-improvement, which cannot be explained by the system of proportionality of goals and means in the common framework of instrumental rationality. During this walk, they try to refine themselves with prayers and remembrances, and they believe that the people of Iran and Iraq can use this opportunity for spiritual self-improvement.

Key Concepts: *Arbaeen Walk, Foundational Data Theory Method, Collective Life, Media Censorship, Modernity's Competing World Life*

¹ Associate Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author), k.rezadoost@scu.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, m.shahryari@scu.ac.ir

